



نگاهی به دغدغه‌ها و میراث ماندگار
امام خامنه‌ای (ره) به بهانه
وداع و تشییع آقای شهید ایران
ویژه نامه صبح صادق
تیر ماه ۱۴۰۵

هفته‌نامه | سیاسی، فرهنگی و اجتماعی | سال بیست و پنجم | شماره ۱۲۲۳ | دوشنبه ۸ تیر ۱۴۰۵ | ۱۴ محرم ۱۴۴۸ | ۲۹ ژوئن ۲۰۲۶ | ۸ صفحه | نسخه الکترونیکی

نوید کمالی

۶
راهبرد

جام جهانی، محرم و اعتماد اجتماعی

آرش فهیم

۷
فرهنگ

آزمون رسانه در تشییع قرن

صداق

قیام برای تشییع تاریخی

علی حدیری

سردبیر



هفته آینده، تهران، قم، مشهد، کربلا، نجف و بغداد میزبان یکی از بزرگ‌ترین رویدادهای تاریخ جهان اسلام خواهند بود. مراسم وداع و تشییع پیکر مطهر رهبر شهید انقلاب اسلامی، حضرت آیت‌الله‌العظمی امام سید علی خامنه‌ای، در روزهای ۱۳ تا ۱۸ تیر ماه ۱۴۰۵ برگزار می‌شود. این رویداد عظیم، نه صرفاً یک آیین سوگواری، بلکه نمایشی بی نظیر از پیوند ناگسستنی امت اسلام و ملت ایران با رهبر و امام خود است؛ پیوندی که دشمنان طی ۴۷ سال گذشته با تمام توان کوشیدند تا آن را بگسلند، اما در دوران زعامت و رهبری آن بزرگمرد تاریخ شیعه موفقیتی کسب نکردند و اکنون هم پس از عروج خونین ایشان در قامت سبیل خروشان جمعیت، پاسخ قاطع خود را دریافت خواهند کرد. این حضور حماسی، فراتر از یک آیین مذهبی، یک حماسه بزرگ سیاسی و فرهنگی است و پیامش از دل خیابان‌های تهران، قم و مشهد به گوش جهانیان می‌رسد که ملت ایران زنده و متحد بر آرمان‌های خود ایستاده است.

این عظمت، در ساحت ولایت فقیه ریشه دارد؛ مفهومی که هسته مرکزی اندیشه سیاسی نظام جمهوری اسلامی را تشکیل می‌دهد. این مراسم تشییع، تجلی عینی این باور عمیق است که مردم، رهبر خود را نه یک کارگزار سیاسی صرف، که نمادی از حاکمیت دینی می‌دانند؛ نمادی که مشروعیتش نه از صندوق رأی، که از علم به فقه اسلامی و تسلیم در برابر خداوند و حکمت و تدبیر الهی او و البته خواست و نظر مردم سرچشمه می‌گیرد. یکی از کارکردهای محوری ولایت فقیه که در این تشییع به عینه قابل مشاهده خواهد بود، توانایی بی نظیر در بسیج توده‌ها حول محور آرمان‌های نظام است. این قدرت بسیج‌گری، در پیوند عمیق عاطفی و اعتقادی میان مردم و رهبری ریشه دارد. نهادهای متعددی همچون مساجد، حوزه‌های علمیه و شبکه بسیج، این پیوند را به ساختاری مردمی در سراسر جامعه تبدیل کرده‌اند که می‌تواند در وضعیت بحرانی، میلیون‌ها نفر را به میدان بیاورد.

این ویژگی، و ام‌دار بنیان‌های عمیق کلامی و تاریخی تشییع است. روایت عاشورا و شهادت امام حسین (ع) به عنوان الگویی از مقاومت در برابر ظلم، در این فلسفه سیاسی نقشی محوری دارد. بر اساس این نگاه، شهادت یک رهبر، پایان راه نیست؛ بلکه اوج تعهد او به آرمان و آغازگر فصلی تازه در مبارزه است. از سوی دیگر، دوران غیبت امام عصر (عج) در اندیشه شیعه، پرسش از چگونگی اداره جامعه در دوران غیبت را به منزله یک دغدغه جدی مطرح کرد. ولایت فقیه، پاسخ نظری این پرسش اساسی است؛ پاسخی که می‌گوید در نبود معصوم، فقیه عادل متولی هدایت سیاسی و دینی جامعه است. در این تشییع تاریخی، این فلسفه سیاسی در قامت میلیون‌ها دل‌داده به تصویر کشیده می‌شود. تجربه تاریخی، به ویژه حوادث پس از شهادت امام خامنه‌ای، نشان داده است که توطئه و تجاوز نظامی و حتی ترور رهبر جامعه اسلامی، نه تنها به تضعیف نظام نمی‌انجامد، بلکه موجب تحکیم هر چه بیشتر پیوند مردم با نظام و افزایش هزینه‌های سیاسی و معنوی آن برای دشمنان می‌شود.

به بیان دیگر، شهادت امام جامعه، بر اساس منطق تشییع، به معنای شکست او نیست، بلکه به مثابه پیروزی در مسیر آرمان‌های الهی تفسیر می‌شود که هزینه‌های سنگینی را بر دشمن تحمیل می‌کند. میلیون‌ها نفر در این تشییع حماسی نشان خواهند داد که ترور، نه یک دستاورد راهبردی برای دشمن، که یک اشتباه محاسباتی بزرگ بوده است؛ چرا که پس از شهادت رهبر، جامعه منسجم‌تر و مصمم‌تر از پیش در برابر تهدیدها ایستاده است. همین چیزی که بیش از ۱۲۰ شب است در خیابان‌های ایران مشاهده می‌شود.

پس مراسم تشییع رهبر شهید، تنها یک وداع نیست؛ آغاز فصلی نوین در تاریخ انقلاب اسلامی است. این رویداد تاریخی، فرصتی برای تجدید پیمان با آرمان‌های امام شهید و بیعتی دوباره با رهبر معظم انقلاب، حضرت آیت‌الله‌سیدمجتبی خامنه‌ای است که امروز مسئولیت سنگین هدایت نظام را بر عهده گرفته‌اند. شعار این تشییع «باید برخاست» است؛ برخاستن از غم و اندوه، برخاستن برای ساختن آینده‌ای روشن‌تر، برخاستن در برابر دشمنان و برخاستن برای تحقق وعده‌های الهی.

و پایان سخن اینکه؛ مراسم وداع و تشییع رهبر شهیدمان، یک حرکت ملی و فراجنبی است. حضور همه اقشار مردم در این آیین شکوهمند پاسخی قاطع به دشمنانی است که در ۴۷ سال گذشته با توطئه‌های گوناگون کوشیدند میان ملت و رهبری فاصله بیندازند. اکنون در این تشییع تاریخی، همه باید به میدان بیایند و با حضور پر شور خود و اشک‌ها و فریادهای شان، حماسه‌ای بیافرینند که در تاریخ ماندگار شود.

تشییع امام‌خانه‌های شهید، نمایش‌دهنده عظمت ملت ایران و همبستگی شیعیان جهان است. این وداع، آغاز یک حرکت بزرگ تاریخی است. تشییع فقط در تهران، قم، کربلا، نجف و مشهد نیست؛ بلکه طنین این حماسه تا اعماق تاریخ و افق‌های دوردست، جاری خواهد بود و جهانیان شکوه ملت بزرگ ایران را در قله‌های پیمبرفتی که امام‌شان به آن راهنما بود به نظاره خواهند نشست.



زندگی نورانی با بیان نورانی

۵
دین

پیشخوان

گنجی به نام «تنگه هر مز»



«والاستریت ژورنال» نوشت:

«جمهوری اسلامی ایران برآورد کرده است که دریافت هزینه برای خدمات امنیتی، ایمنی و زیست‌محیطی در تنگه، سالانه ۴۰ میلیارد دلار درآمد برای کشورهای درگیر در این طرح به همراه خواهد داشت. این ایده،

در صورت اجرا، جریان نقدینگی و کنترل‌سی را برای تهران به ارمان می‌آورد که پیش از جنگ از آن برخوردار نبود. مقامات گفتند که ایران به دنبال الگوبرداری از مدل‌های موجود در سراسر جهان از جمله تنگه دارداتل است؛ جایی که ترکیه از کشتی‌ها بابت عبور و مرور از این آبراه به دریای اژه، مالیاتی به نام «فرانک طلا» دریافت می‌کند.»

به نوشته این روزنامه، «جنگ به ایران آموخت که تهدیدی که می‌تواند با موشک‌ها و پهپادهای خود برای کشتیرانی ایجاد کند، به آن اهرم روشن و خاموش بر روی این مسیر حیاتی تجارت جهانی می‌دهد. توافق ترامپ به ایران حق مذاکره درباره اداره درازمدت این گذرگاه را ارائه می‌دهد.»

اِزار تحریف!



«واشنگتن‌پست» مدل‌های هوش مصنوعی پشت ChatGPT از OpenAI، Gemini، nAI، را با استفاده از سؤالات سیاسی که محققان طراحی کرده بودند تا نحوه پاسخ‌گویی چت‌بات‌ها به مسائل سیاسی بحث‌برانگیز را بسنجد، آزمایش کرد. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد، چت‌بات‌ها گرایش‌های سیاسی آشکاری دارند که می‌تواند با وعده‌های شرکت‌های پشت آنها در تضاد باشد.

به نوشته این روزنامه، «ChatGPT تقریباً به هر سؤالی منحصرأ با استدلال‌های چپ‌گرایانه پاسخ داد و تنها یک بار مواضع راست‌گرایانه را ارائه کرد. Gemini این‌گونه عملد تا رویکرد دو طرفه داشت و در بیش از ۹۰ درصد پاسخ‌های خود، هم مواضع چپ و هم راست را ارائه می‌داد. حتی مدل‌های هوش مصنوعی که دارای دیدگاه‌های محافظه‌کارانه بازاربایی می‌شوند، از جمله Grok، به طور متوسط بیشتر به استدلال‌های چپ‌گرایانه استناد کردند.»

واشنگتن‌پست خاطر نشان کرد: «چت‌بات‌ها می‌توانند دیدگاه‌های سیاسی را به روش‌های مختلف جذب کنند. اکثر آنها بر روی مجموعه‌های بزرگی از متون استخراج‌شده از اینترنت آموزش داده می‌شوند، اما شرکت‌ها می‌توانند انتخاب کنند که چه داده‌هایی را شامل شوند.»

زهراتوچیدیان

دبیر گروه بین‌الملل

جنگ تمام‌عیار آمریکا و رژیم صهیونیستی علیه ایران، نتوانست معادلات قدرت در غرب آسیا را به نفع اشغالگران تغییر دهد، اما توجه دیپلماتیک را از جنایات مستمر در فلسطین اشغالی منحرف کرد. رژیم صهیونیستی با بهره‌برداری از این وضعیت، حملات وحشیانه خود به غزه را تشدید کرده و در کرانه باختری نیز شهرک‌نشینان صهیونیست خشونت‌های نژادپرستانه خود را افزایش داده و زمین‌های بیشتری را به یغما می‌برند.

«هادی امر» پژوهشگر سیاست خارجی اندیشکده آمریکایی بروکینگز در یادداشتی با اشاره به این موضوع، می‌نویسد: «جنگ آمریکا و اسرائیل علیه ایران، نشان‌دهنده فریاشی همزمان بازدارندگی و دیپلماسی است. بسیاری از متحدان آمریکا، از جمله برخی در غرب آسیا، تردید دارند که آیا آمریکا کنسون می‌تواند از آنها محافظت کند یا خیر. رقبای آمریکا، مانند چین و روسیه، قدرت

رو به کاهش آمریکا در منطقه را می‌بینند. برخی از کشورهای حاشیه خلیج (فارس) ممکن است روابط خود با ایران را بیشتر متوازن کنند و کمتر به چتر امنیتی آمریکا تکیه کنند. مهم است که نه تنها تأثیر جنگ ایران بر اسرائیل و فلسطین را درک کنیم، بلکه بدانیم چگونه بهبود وضعیت در آنجا می‌تواند اوضاع را در کل منطقه آرام کند.»

وی افزود: «اصلی‌ترین تأثیر جنگ علیه ایران بر موضوع اسرائیل-فلسطین، منحرف کردن انرژی و توجه از آتش بس موسوم بوده است. درگیری اصلی در غزه پایان یافت، اما اسرائیل همچنان به این منطقه حمله می‌کند و تاکنون صدها فلسطینی کشته شده‌اند..» به گفته وی، «دولت ترامپ که درگیر ایران شده، پیشرفت چندانی در غزه نداشته است. بازسازی اقتصادی واقعی آغاز نشده و غزه به روزهای شمارش کامیون‌ها برای ورود مایحتاج اولیه برگشته است. ارتش اسرائیل به کسانی که سعی در بازسازی خدمات آب و فاضلاب در غزه داشتند حمله کرده و آنها را کشته است و مردم غزه را بدون آب آشامیدنی سالم رها کرده و حتی ارسال

گزارش

کاپیتولاسیون غیررسمی!

نظامیان آمریکایی چگونه دادگاه‌های انگلیس را دور می‌زنند؟

می‌شد، اما مقامات انگلیسی مسئولیت آن را به ارتش آمریکا واگذار کردند که ولفسون را از اتهام تعرض جنسی تبرئه کرد. سارا استیل نیز روند دادگاه نظامی را تحقیرآمیز توصیف کرد و گفت شیوه بازجویی‌ها به‌گونه‌ای بود که گویی او به‌جای متهم است. مبنای حقوقی این وضعیت، توافق وضعیت نیروهای ناتو در

سال ۱۹۵۱ است. طبق ماده هفتم این توافق، آمریکا در جرایمی که هنگام انجام وظیفه یا علیه نیروها، وابستگان و اموال خود رخ دهد، حق تقدم رسیدگی دارد. این وضعیت اگرچه از نظر حقوقی کاپیتولاسیون رسمی نیست، در عمل نوعی مصونیت قضایی برای نظامیان آمریکایی در خاک انگلیس ایجاد کرده و موجب نارضایتی افکار عمومی شده است.

چرا غزه در جنگ ایران گم شد؟

کمک‌ها به غزه را متوقف کرده است.»

کارشناس اندیشکده بروکینگز در ادامه تصریح کرد:

«افکار عمومی جهانی نه تنها به دلیل درگیری در موضوع حمله به ایران از موضوع اسرائیل-فلسطین منحرف شده، بلکه ساختار خود دولت ترامپ نیز پیشرفت در سرزمین‌های فلسطینی را دشوار می‌کند. تیم ترامپ از طریق حلقه بسیار کوچکی از مقامات ارشد، مانند استیو وینکاف، عمل می‌کند و وقتی توجه این مقامات به جنگ‌های ایران و لبنان و تلاش برای بازگشایی تنگه هرمز معطوف می‌شود، کار چندانی در مورد غزه پیش نمی‌رود.» وی افزود: «اسرائیل از جنگ ایران استفاده کرده تا خفقان خود را بر کرانه باختری تشدید کند، شهرک‌سازی‌های خود را به سرعت گسترش دهد و انتقال غیرنظامیان اسرائیلی به این سرزمین را بیشتر کند.»

هادی امر با اشاره به اختلافات فرآینده میان کشورهای عربی، افزود: «جنگ ایران بر هم‌ترازی‌های منطقه‌ای نیز تأثیر گذاشته است، همانطور که در تصمیم امارات متحده عربی برای نزدیک‌تر شدن به اسرائیل و فاصله گرفتن از

دریچه

فروپاشی توهم

چگونه خلیج فارس برای همیشه تغییر کرد؟

درگیری‌ها پایان یافته باشد؛ بسیاری در کشورهای حوزه خلیج فارس نگران هستند که توافق در حال شکل‌گیری میان ایران و آمریکا نتواند تهدیدی را که احساس می‌کنند، کاهش دهد. آسیب‌پذیری‌های آشکار شده در جریان جنگ، کشورهای خلیج فارس را برای همیشه تغییر داده است.

به نوشته نیویورک تایمز، جنگ نه‌تنها موجب اتحاد کشورهای خلیج فارس نشده، بلکه اختلافات میان برخی از آنها را نیز عمیق‌تر کرده است. به گفته تحلیلگران، در پشت پرده بسیاری از مقامات کشورهای خلیج فارس نسبت به متحدان دیرینه خود به‌ویژه ایالات متحده، احساس ناامیدی و سرخوردگی دارند.

موفقیت در بسیاری از رقابت‌های درون‌حزبی به شمار می‌آید. این موضوع به ترامپ اجازه داده است که انسجام سیاسی پایگاه جمهوری‌خواه را حفظ کند، اما همین وابستگی، مسئولیت مستقیم پیامدهای جنگ ایران را نیز متوجه شخص او کرده است. هرگونه تغییر در افکار عمومی درباره جنگ، مستقیماً بر جایگاه انتخاباتی جمهوری‌خواهان اثر خواهد گذاشت، زیرا این حزب بیش از هر زمان دیگری با شخصیت و تصمیمات رئیس‌جمهور پیوند خورده است. در این میان، جنگ ایران به متغیری تعیین‌کننده در فضای انتخاباتی تبدیل شده است. تجربه تاریخی آمریکا نشان می‌دهد رأی‌دهندگان معمولاً در انتخابات میان‌دوره‌ای بیش از آنکه به دستاوردهای سیاست خارجی توجه کنند، عملکرد دولت در حوزه اقتصاد و هزینه‌های زندگی را ملاک قضاوت قرار می‌دهند. از این منظر، اگر ادامه جنگ موجب افزایش قیمت نفت، اختلال در بازار انرژی یا تشدید تورم شود، احتمالاً این پیامدها بسیار بیشتر از موفقیت‌های احتمالی نظامی بر رفتار رأی‌دهندگان اثر خواهد گذاشت. دموکرات‌ها نیز دقیقاً بر همین نقطه تمرکز کرده‌اند و می‌کوشند جنگ را به نمادی از سوءمدیریت اقتصادی دولت ترامپ تبدیل کنند.

در مقابل، کاخ سفید برای جلوگیری از چنین سناریویی نیازمند دستاوردی است که بتوان آن را به‌عنوان «پیروزی» به افکار عمومی عرضه کرد. اگر دولت بتواند از طریق توافق یا پایان دادن به جنگ، برنامه هسته‌ای ایران را محدود کند، امنیت انرژی را احیا کرده و هم‌زمان از گسترش درگیری جلوگیری کند، احتمالاً خواهد توانست بخشی از حمایت رأی‌دهندگان مستقل را بازباید. اما اگر توافق نهایی کمتر از اهداف اعلام‌شده دولت باشد،

است که خواهان سیاست خارجی محتاطانه‌تر، مخالفت با جنگ‌های پر هزینه و تمرکز بیشتر بر مسائل اقتصادی داخلی است. ویژگی قابل توجه این موج مترقی، تغییر در اولویت‌های تبلیغاتی آن است. بر خلاف سال‌های گذشته که مسائل هویتی و فرهنگی در مرکز گفتمان چپ قرار داشت، نامزدهای مترقی در سال ۲۰۲۶ بیش از هر چیز بر هزینه‌های معیشتی، نظام سلامت، مالیات بر ثروت و کاهش فشار اقتصادی بر خانوارها تمرکز کرده‌اند. همین تغییر موجب شده است که مخالفت باجنگ ایران نیز نه صرفاً از منظر اخلاقی یا حقوق بشری، بلکه به منزله عاملی برای افزایش قیمت انرژی، تشدید تورم و کاهش قدرت خرید شهروندان مطرح شود؛ موضوعی که قابلیت بسیج رأی‌دهندگان مستقل را نیز دارد. با این حال، نتایج مقدماتی تصویر یکدستی از حزب دموکرات ارائه نمی‌دهد. جریان میان‌رو و همچنان توانسته است در برخی رقابت‌های مهم، به‌ویژه در حوزه‌های رقابتی، نامزدهای خود را حفظ کند. این مسئله نشان می‌دهد، اگرچه پایگاه رأی دموکرات‌ها در مناطق امن به سمت چپ حرکت کرده است، رهبران حزب همچنان نگران آن هستند که نامزدهای بیش از حد مترقی در انتخابات سراسری نتوانند رأی‌دهندگان میان‌رو را جذب کنند.

بنابراین، دموکرات‌ها وارد انتخابات میان‌دوره‌ای با نوعی دوگانگی خواهند شد: از یک سو انرژی سیاسی جناح مترقی و از سوی دیگر ضرورت حفظ قابلیت پیروزی در حوزه‌های رقابتی. در سوی مقابل، جمهوری‌خواهان نیز با چالش‌هایی رویه‌رو هستند. انتخابات مقدماتی نشان داده است که نفوذ شخص دونالد ترامپ در حزب همچنان بسیار بالاست و حمایت او همچنان مهم‌ترین عامل



رضا صار می‌راد

کارشناس مسائل بین‌الملل

انتخابات مقدماتی میان‌دوره‌ای سال ۲۰۲۶ در ایالات متحده، فراتر از رقابت‌های معمول درون‌حزبی، به صحنه‌ای برای بازتعریف آرایش سیاسی دو حزب اصلی تبدیل شده است. **در حالی که نگاه افکار عمومی بیش از هر زمان دیگری متوجه جنگ ایران، اقتصاد و سیاست خارجی دولت دونالد ترامپ است، نتایج انتخابات مقدماتی نشان می‌دهد هر دو حزب در حال آماده شدن برای نبردی هستند که نتیجه آن نه تنها ترکیب تنگرو، بلکه دامنه اختیار رئیس‌جمهور در ادامه را پایان دادن به جنگ را تعیین خواهد کرد. اگر چه ترامپ بارها تأکید کرده است که انتخابات میان‌دوره‌ای تأثیری بر تصمیمات او درباره ایران ندارد، تجربه تاریخی سیاست آمریکا و روندهای انتخاباتی جاری حکایت از آن دارد که جنگ و انتخابات اکنون بیش از هر زمان دیگری به یکدیگر گره خورده‌اند.**

در جبهه دموکرات‌ها، مهم‌ترین تحول، تقویت محسوس جناح مترقی در انتخابات مقدماتی است. از ایالت مین تا کالیفرنیا و به‌ویژه در نیویورک، نامزدهای نزدیک به جریان برنی سندرز و سوسیالیست‌های دموکرات موفق شده‌اند بخش مهمی از نامزدهای مورد حمایت جریان سنتی حزب را شکست دهند. پیروزی چهره‌هایی که از حمایت زهران ممدانی برخوردار بودند، از جمله شکست نمایندگان باسابقه کنگره در نیویورک، تنها یک جابه‌جایی نسلی در حزب دموکرات نیست؛ بلکه نشانه‌ای از افزایش نفوذ گفتمانی

ممکن است هم منتقدان دموکرات آن را نشانه بی‌ثمر بودن جنگ بدانند و هم بخشی از پایگاه محافظه‌کار ترامپ آن را عقب‌نشینی از وعده‌های اولیه تلقی کند. این همان معادله دشواری است که تصمیم‌گیری درباره آینده جنگ را پیچیده‌تر می‌کند. از سوی دیگر، نتایج انتخابات مقدماتی دموکرات‌ها نشان می‌دهد در صورت کسب اکثریت در مجلس نمایندگان یا حتی سنا، احتمال افزایش فشار کنگره بر دولت درباره سیاست ایران وجود خواهد داشت. جناح مترقی نه‌تنها نسبت به ادامه جنگ رویکرد انتقادی دارد، بلکه خواهان محدود کردن اختیارات رئیس‌جمهور در استفاده از نیروی نظامی و افزایش نظارت کنگره بر سیاست خارجی است. در چنین وضعیتی، موفقیت دموکرات‌ها در انتخابات میان‌دوره‌ای می‌تواند فضای مانور ترامپ را برای ادامه عملیات نظامی یا تشدید فشار بر ایران به‌طور محسوسی کاهش دهد. در نهایت، انتخابات مقدماتی ۲۰۲۶ را باید بیش از آنکه صرفاً رقابتی درون‌حزبی دانست، مرحله نخست نبردی سیاسی بر سر آینده جنگ ایران ارزیابی کرد. این انتخابات نشان داده است که دموکرات‌ها با اتکا به گفتمان اقتصادی و انتقاد از هزینه‌های جنگ در حال بازسازی ائتلاف انتخاباتی خود هستند، در حالی که جمهوری‌خواهان همچنان موفقیت یا شکست خود را به شخص ترامپ و نتایج سیاست خارجی او گره زده‌اند. به همین دلیل، مسیر جنگ ایران دیگر صرفاً در میدان‌های نظامی یا میز مذاکرات تعیین نخواهد شد؛ بلکه تا حد زیادی به قضاوت تعیین‌دهندگان آمریکایی در انتخابات میان‌دوره‌ای و توازن قدرتی که از دل آن در کنگره شکل می‌گیرد، وابسته خواهد بود.

این قدر جمعیت دانشجویی در یک مسجد ندیده‌ام

برشی از زندگینامه و خاطرات رهبر شهید انقلاب اسلامی-۱۲

مهدی سعیدی

دبیر گروه تاریخ

یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای در طول حیات و فعالیت سیاسی‌اش، تعاملات گسترده با جوانان بوده است. جلسات ایشان معمولاً با استقبال گسترده این قشر، به ویژه جوانان آگاه و دانشجویان همراه بود؛ به نحوی که کمتر نقطه‌ای در کشور را در آن مقطع می‌توان یافت که چنین جمع باشکوهی از دانشجویان در اطراف یک روحانی گرد آمده باشند. در این باره نقل می‌کنند: «یک شب مرحوم شهید باهنر (رحمة‌الله‌علیه) مشهد بود، با من آمد مسجد ما. وضعیت را که دید، شگفت‌زده شد. حالا آقای باهنر کسی بود که در تهران با مجامع جوان و دانشجویی هم مرتبط بود. ایشان گفت که من به عمرم این قدر جمعیت دانشجویی و جوان در یک مسجد ندیده‌ام.»

وجود روحیه معاشرتی و شجاعت حضور در محافل گوناگون و بعضاً نامأنوس با شأن روحانیت در عرف آن زمان، در برقراری روابط میان آیت‌الله خامنه‌ای و دانشجویان نقش مهمی داشته است. در سوی مقابل، گردوی را عمدتاً دانشجویان نوگرا و مبارز گرفته بودند که در آن عصر، پیشروترین دانشجویان زمانه خود به شمار می‌آمدند: «قبل از انقلاب، در خیل مبارزات عظیم مردم، دانشجویان چشمگیر بودند؛ حضور داشتند و فعال می‌نمودند. من بیشترین مشاهده‌ام در این مورد، مربوط به مشهد است. در محیط دانشجویی مشهد، من فعال بودم؛ تهران هم که می‌آمدم، همین طور بود. در دانشگاه‌های مختلف می‌آمدم و می‌رفتم؛ دانشجویان با من ارتباط داشتند و از نزدیک می‌دیدم که چه خبر است. الان بعضی

از همین مسئولان کنونی کشور، از دانشجویان آن روز ما هستند که با ما ارتباط داشتند.» مثلاً یکی از این دانشجویان مترقی و مبارز، مهدی باکری بود که از طریق دوستی با یکی از آشنایان آیت‌الله خامنه‌ای، با ایشان آشنا شده و ارتباط گرفته بود: «مرحوم شهید آقامهدی باکری را من از قبل از انقلاب می‌شناختم؛ ایشان دانشجوی دانشگاه تبریز بود، با یکی از دوستان ما که ایشان هم دانشجوی دانشگاه تبریز بود آمدند مشهد؛ اتفاقاً تابستان بود و من در یکی از همین بیلاقات اطراف مشهد بودم؛ آمدند آنجا و دیدم این جوان را. اهل کار بودند، اهل مبارزه بودند، فهیم بودند؛ مسائل کشور را، موقعیت کشور را می‌فهمیدند.»

به این ترتیب در سال‌های پیش از پیروزی



انقلاب، نوعی پیوند معنوی و تقارب ذهنی میان آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای و دانشجویانی که در اطراف ایشان قرار داشتند، به وجود آمده بود. البته «این ارتباطات، ارتباطات سازمانی نبود، ارتباطات تشکیلاتی نبود، ارتباطات در مسائل مبارزاتی تند نبود؛ ارتباط فکری و تبیینی بود؛ یعنی جلساتی داشته باشیم که دانشجویها در آنجا شرکت کنند، یا ما احیاناً در جلسه‌ای از جلسات دانشجویی در دانشگاه شرکت کنیم.» آیت‌الله خامنه‌ای در بخشی از آموزه‌هایی که به دانشجویان می‌آموخت، چنین اشاره دارند: «بنده سال ۵۰ در مشهد برای دانشجویها درس تفسیر می‌گفتم و اوایل سوره بقره ماجراهای بنی اسرائیل را تفسیر می‌کردم. بنده را به ساواک خواستند و گفتند چرا شما راجع به

بنی اسرائیل حرف می‌زنید؟ گفتم آیه قرآن است؛ من دارم آیه قرآن را معنا و تفسیر می‌کنم. گفتند نه، این اهانت به اسرائیل است! درس تفسیر بنده را به خاطر تفسیر آیات بنی اسرائیل - چون اسم اسرائیل در آن بود تعطیل کردند.»

واپسین اقدام عمده آیت‌الله خامنه‌ای و روحانیون مبارز در آستانه پیروزی انقلاب، تحصن در دانشگاه تهران بود. مکان‌یابی این تحصن در دانشگاه، نشانه دیگری از میل روحانیت برای وحدت با دانشگاهیان بود و البته با حضور آنها در بطن حوادث انقلاب در مرکزی‌ترین نقطه شهر تهران، آنها را به مجموعه عظیم ملت انقلابی پیوند می‌زد. با پیروزی انقلاب، فصل جدیدی در روابط آیت‌الله خامنه‌ای با دانشجویان آغاز شد.

حافظه

فروپاشی جامعه بومی

نگاهی به حضور استعمارگران در قاره آمریکا

استعمار اسپانیا در مکزیک (۱۵۲۱-۱۸۲۱) نه تنها ساختار سیاسی و فرهنگی سرزمین سرخ پوستان را دگرگون کرد، بلکه با ایجاد شبکه‌ای پیچیده از مالیات‌ها، انحصارات و بهره‌برداری افسارگسیخته از منابع، اقتصادی وابسته و ویرانگر را بر جامعه بومی تحمیل کرد.

در نگاه نخست، بهره‌گیری از نون نوین اروپایی و ساماندهی معادن و مزارع بزرگ، نویدبخش رونق اقتصادی در مکزیک تحت استعمار بود. نایب‌السلطنه‌ها با نظارت مقام سلطنت، فعالیت‌ها را سامان می‌دادند، زیرا عواید حاصل از معادن، سهم قابل توجهی برای تاج‌وتخت اسپانیا فراهم می‌آورد. با این حال، نیاز فزاینده پادشاه به پول، فشار مالیات‌ها را روزبه‌روز افزایش داد. در اواخر دوره استعمار، شمار مالیات‌ها به شصت مورد رسید که از آن میان می‌توان به مالیات سرخ‌پوستان، خمس سلطنتی (۲۰ درصد فلزات استخراجی که بعداً به ۱۰ درصد کاهش یافت)، حقوق گمرکی، عوارض فروش (الکابالا)، حق العبور و درآمد‌های حاصل از انحصاراتی چون جیوه، باروت، نمک و تنباکو اشاره کرد. بخشی از این درآمدها صرف هزینه‌های اداری محلی می‌شد و مابقی سالانه با کشتی‌های موسوم به «فلوتا» در ماه فوریه به سوی سویل (اشبیلیه) گسیل می‌شد.

اگرچه گنجینه‌های آرتک‌ها بیشتر شامل طلا بود، ستون فقرات اقتصاد استعماری مکزیک را نقره تشکیل می‌داد. معادنی چون تاسکو، پاچوکا، زاکاتوس، گواناخواتو و سان لوئیس پوتوسی، همراه با معادن پرو، از غنی‌ترین ذخایر نقره جهان به شمار می‌رفتند. با این همه، اشتیاق سیری‌ناپذیر اسپانیایی‌ها برای یافتن طلا چنان بود که سال‌ها کف دریاچه مکزیکورابرا برای یافتن اشیای قیمتی می‌کاویدند.

در عرصه فرهنگی و مذهبی، اسپانیایی‌ها پس از فتح، بومیان را به اجبار به آیین کاتولیک درآوردند. هر چند گروه بسیاری مسیحی شدند، اما سنت‌ها و جشن‌های مذهبی پیشین خود را حفظ کردند و به جای بت‌های قدیمی، مجسمه‌های مسیح را می‌پرستیدند و در سرودهای خود نام او را جانشین خدایان سابق کردند. دولت اسپانیا به شدت از نفوذ افکار خارجی جلوگیری می‌کرد و تفتیش عقاید، ابزاری برای حفظ وضع موجود بود.

بزرگ‌ترین فاجعه اما در قلمرو جمعیت رخ داد. برآوردها نشان می‌دهد در زمان ورود کلمب به آمریکا، جمعیت سرخ‌پوستان مکزیک حدود ده میلیون نفر بود؛ اما با شروع اسکان اروپاییان و پیامدهای ویرانگر آن، این شمار به کمتر از یک میلیون نفر کاهش یافت. این سقوط جمعیتی، که حاصل ترکیبی از کشتار، بیماری‌های واگیر و کار اجباری بود، همچنان یکی از تلخ‌ترین فصل‌های تاریخ استعمار در قاره آمریکا به شمار می‌رود.

دهلیز

دو قرن ایستادگی

بازخوانی تاریخ از افق شهید آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای

یکی از سوالات مطرح شده گاه و بی‌گاه برای نسل جوان نوپایی که کم‌کم دارد وارد عرصه سیاست می‌شود، آن است که واقعاً چرا ما درگیر مبارزه و جنگ با غرب هستیم؟ ریشه‌های این منازعه در چیست و آیا امکانی برای فاصله گرفتن از این رویارویی وجود دارد؟ آیا می‌توان به این معارضه پرهزینه پایان داد و حرکت کشور به سمت توسعه و پیشرفت را بدون درگیری با این دشمنان ادامه داد؟

رهبر شهید انقلاب اسلامی که عمری تاریخ معاصر ایران و جهان را مطالعه کرده‌اند، سال‌ها پیش در سخنانی به این نکات اشاره کرده‌اند.

«شاید بشود گفت از دوستان سال پیش - مبارزه‌ای از طرف قدرتمندان تشنه ثروت و قدرت بیشتر، که می‌خواستند همه مناطق دنیا را در اختیار بگیرند، بر ملت ایران تحمیل شد. آنها می‌خواستند اگر منابع طبیعی هست، اگر میراث فرهنگی هست، اگر وسیله کسب علم هست و اگر استعداد هست، ببرند و در خدمت تمدن و سیاستی که تازه در اروپا به وجود آمده بود یعنی همین تمدن صنعتی و تشکیلات سیاسی مترتب بر تمدن صنعتی و نظایر آن - قرار دهند. آنها مبارزه‌ای را بر همه ملت‌هایی که می‌شد از آنها استفاده‌ای کرد، بی‌آنکه خود

عالمی که ما امروز به آن «استکبار» می‌گوییم، مبارزه مذکور را بر ملت ایران تحمیل کرد. مبارزه‌ای که ملت ایران در طول صدوپنجاه سال یا بیشتر، با کشورهای استعمارگر داشت. از «مبارزه تنباکو» بگیرد تا قضایای بعدی و نهضت ملی و تا مبارزات امروز ملت ایران با سیاست‌های استکباری و با آمریکا و با دیگران - همه و همه از مبارزاتی است که بر مردم ما تحمیل کرده‌اند. والا اگر ملت ایران راه‌های خود را و او را راحت می‌گذاشتند تا خودش به کار خودش، به کشور خودش، به منافع خودش و به منابع خودش برسد، ممکن بود چنین مبارزه‌ای به این شکل پیش نیاید. آنها این مبارزه را بر ملت ایران تحمیل کردند. امروز هم، آنها متعرض و متجاوزند.»

تقویم انقلاب

اصلاحات آمریکایی در ایران

روایی‌های آمریکا در تاریخ معاصر ایران-۱۰

سید مهدی حسینی
مورخ و پژوهشگر

پس از سقوط دولت «منوچهر اقبال»، فرد دیگری به نام «جعفر شریف‌امامی» با ماهیت انگلیسی-آمریکایی زمام امور را به دست گرفت، اما نتوانست بیش از شش ماه دوام بیاورد. در پی فشار آمریکایی‌ها، فرد دیگری که صد درصد مطابق برنامه‌های آمریکا پیش می‌رفت به نام «دکتر علی امینی» در اردیبهشت سال ۱۳۴۰ بر مسند نخست‌وزیری ایران نشست. اظهارات و اقدامات او در چند محور قابلیت بحث دارد که در ادامه ارائه می‌شود.

۱- دکتر امینی وقتی پست نخست‌وزیری را تحویل می‌گیرد، اوضاع کشور را بحرانی جلوه می‌دهد و می‌گوید: «دولت ایران طی هفت سال گذشته بیش از دو میلیارد و هفتصد میلیون دلار، یعنی بیش از یک میلیارد و پانصد میلیون دلار درآمد نفت و حدود یک میلیارد و دو صد میلیون دلار کمک‌های خارجی را گرفته و به باد داده است.»

۲- امینی که تحت فشار آمریکا مسئول تشکیل دولت شده بود، برای ایجاد تغییرات سریع در جهت سیاست آمریکا به آزادی عمل احتیاج داشت. وی برای رسیدن به این هدف مجلس را منحل کرد تا بتواند «اصلاحات ارضی» را که دولت اقبال به مجلس برده بود، به تصویب برساند. دولت امینی در غیاب مجلس به عنوان قوه قانون‌گذار نسبت به تصویب قانون اصلاحات ارضی اقدام کرد.

۳- در دوران امینی، «جان اف کندی» رئیس‌جمهور وقت آمریکا، اقدامات دیگری در راستای افزایش کمک‌های نظامی و اعطای وام به دولت امینی انجام داد. آمریکا یک وام ۳۳ میلیون دلاری به این دولت داد؛ در حالی که پیش از این هیچ‌گونه موافقتی با وام نمی‌کرد.

۴- اینطور به نظر می‌رسد که آمریکایی‌ها و دولت امینی از این روند خیلی خوشند بودند؛ چون متعاقب تصویب قانون اصلاحات ارضی «چستر پاول» مشاور کندی و مسئول امور آسیا و آفریقا برای حمایت مستقیم از تصویب این قانون وارد ایران شدند. وی برای نخستین بار کلمه «انقلاب سفید» را به کار برد و اظهار داشت: «برنامه سوم (یعنی برنامه هفت ساله‌ای که طرح‌ریزی شده) به شدت مرا تحت تأثیر قرار داده است.» امینی نیز می‌گوید: «این دولت انجام یک انقلاب سفید را از نظر مصلحت مردم ضروری تشخیص داده و در پی اجرای کامل بعد از تصویب قانون اصلاحات ارضی آن است.» ۵- این دولت که در کل ۱۵ ماه دوام داشت، همراه با وام‌های سنگین، هزینه‌های هنگفت، اعتراضات مردمی، اعتصابات و شورش دانشجویان همراه بود. در این مدت، دولت امینی از هیچ آرامش و امنیتی برخوردار نبود. در این وضعیت، همواره از اصلاحات ارضی، انقلاب سفید، برنامه هفت ساله و شعارهای توخالی گفته می‌شد؛ اما هیچ آثار مثبتی از این اصلاحات آمریکایی دیده نشد!

قبیله عشق

آخرین بخشش شهید



«ابوالفضل زمانی آرمی»، از سربازان رشید پدافند هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران، عصر روز ۷ فروردین در تهران به شهادت رسید. اما قصه این شهید یک فصل بی نظیر دیگر هم داشت؛ فصلی به نام «بخشش پس از شهادت». خانواده این شهید سرباز که در جنگ تحمیلی سوم از ناحیه سر و گردن، بر اثر اصابت ترکش، مجروح و دچار مرگ مغزی شده بود، با اهدای سه عضو بدن او، موافقت کردند تا به دیگران، زندگی دوباره ببخشند.

پدر شهید می گوید: «صورت ابوالفضل همیشه خندان بود... این از همه عکس های چیده شده در آلبوم خانوادگی و عکس های بزرگی که حالا سینه کش دیوارهای خانه، قاب گرفته اند، پیداست. ریز اندام و تر و فرزند هم درس می خواند و هم مثل باقی پسر بچه ها بازیگوشی می کرد. پسری بود مهربان، بخشنده، خوش دل و دوست داشتی؛ پسر هم با جانش برای وطن ایستاد و هم با اعضای بدنش به چند انسان دیگر زندگی بخشید. وقت سربازی اش که رسید، خودش پیش قدم شد برای ثبت نام. از همان اول هم سربازی رو دوست داشت.

نصف شب ۲۷ اسفند پادگان لویزان را موشکباران کردند. دو تا ترکش خورده بود به گردن و سر ابوالفضل... روی تخت بیمارستان خوابانده بودندش و کلی دستگاه بهش وصل کرده بودند... می گفتند مرگ مغزی شده و امیدی نیست. مگر پدر و مادر می فهمند که امیدی نیست؟ یعنی چی؟ طوری پای تختش ایستاده بودیم که انگار سرما خورده با عمل آبیانیدیس کرده و قراره زود خوب بشود تا ببریمش خانه... چقدر جای ترکش ها رو روی گردن و سرش ناز و نوازش کردم، چقدر اسمش را صدا زدم... چقدر گفتم پاشو بابا، کمرم دارد می شکند. انگار راستی راستی امیدی نبود.

اعضای تیم پزشکی بعد از کلی مقدمه چینی اعلام کردند که دیگر پسران زنده نیست و با کمک دستگاه نفس می کشد. چند روز گذشت تا قبول کنیم این سرنوشت پسرمان است. با خانم صحبت کردم و تصمیم گرفتیم کبد و دو کلیه ابوالفضل رو اهدا کنیم. کنار تختش نشستیم. قربان صدقه اش رفتیم. بهش گفتیم ازش راضی هستیم و از او هم خواستیم که از ما راضی باشد.»

نماینده ولی فقیه در سپاه

هرگونه تحمیل رأی به رهبری را

رد می کنیم



نقش سخنران اصلی این مراسم، با تبیین فلسفه خلقت و جایگاه ابدی انسان، شهدا را برندگان اصلی و واقعی حیات دنیوی و اخروی خواند و گفت: «شهدا ناکام نیستند، بلکه با ایمان و عمل صالح به حیات طیب رسیده اند. ما به این جلسات می آییم تا از آنها درس حیات و هدایت بگیریم.»

وی با تأکید بر اینکه مکتب عاشورا درس حرکت، جهاد، امید و نشاط است، از مسئولان و دولتمردان خواست تا در تریبون های مجلس و دولت به امیدآفرینی دست بزنند و از اضطراب آفرینی پرهیز کنند و افزود: «آینده کشور روشن و درخشان است و مسئولان نباید نگران فروش نفت و مسائل خزانه باشند، چرا که توکل بر خدا راهگشاست. تاب آوری مردم در برابر فشارهای اقتصادی دشمن بسیار بالاست و شایسته بهترین خدمت ها هستند.»

♦ خنثی شدن توطئه پنهان نفاق علیه جایگاه رهبری

حجت الاسلام حاجی صادقی در بخش دیگری

♦ روایت حماسه و ایثار

در ادامه این مراسم برخی از اعضای خانواده شهدا به نمایندگی از خانواده های حاضر سخنرانی کردند و بر ایستادگی و تربیت

نسل های آینده در مسیر ولایت تأکید داشتند. همسر شهید روان شناس سجاد بلاغی با تشریح نحوه شهادت همسرش در شامگاه ۱۵ اسفندماه (۱۶ ماه مبارک رمضان) بر اثر بمباران بیمارستان تنب بزرگ به دست آمریکا و رژیم صهیونیستی، پیام صریحی به دشمنان فرستاد و بیان کرد: «شهادت مردان این سرزمین مانع حرکت ملت ایران نخواهد شد. ما با تأسی از حضرت زینب (س) صبر پیشه می کنیم و فرزندانم (ابوالفضل و محمدرنوف) را در مسیر ایمان، شجاعت و ولایت مداری تربیت خواهیم کرد.»

همسر پاسدار پرستار شهید رامین جعفری و مادر شهید ۱۱ ساله علیرضا جعفری (از شهدای جنگ رمضان) اظهار کرد: «همسر همواره در خط مقدم خدمت بود؛ چه در کردستان و چه در ایام کرونا در بیمارستان بقیه الله (عج). او و فرزندم تنها به تکلیف خود عمل کردند و هیچ طلبی از هیچ مسئولی ندارند. من امروز صدای مادران شهید هستم و با تمام وجود راوی این فداکاری ها خواهم بود تا بستر ساز ظهور حضرت حجت (عج) شود.»

پدر شهید دکتر قیم با یادآوری نخبه بودن و اخلاص فرزندش در خدمت پزشکی به زائران اربعین، دوران جنگ تحمیلی و امروز را مقایسه کرد و گفت: «ما در زمان جنگ با دست خالی و تنها با ۱۵ آرپی جی در کل خوزستان و با تکیه بر غنای جنگی ایستادیم، اما امروز به برکت انقلاب در همه عرصه ها خودکفا هستیم.»

وی با استناد به کلام امام راحل (ره) تأکید کرد: «پذیرش فصل الخطاب بودن ولی فقیه بر همگان واجب است و نباید به خاطر وحدت، حرف ولی فقیه را زیر پا گذاشت.»

در پایان این مراسم، از مقام شامخ و صبر زینبی خانواده های ۲۶ شهید مدافع سلامت سپاه در جنگ تحمیلی دوم و سوم شامل ۲ پزشک، ۱۰ پرستار، ۹ پزشک یار عملیاتی و ۵ نفر از کارکنان غیرپزشکی کادر درمان سپاه تجلیل به عمل آمد.

خبر

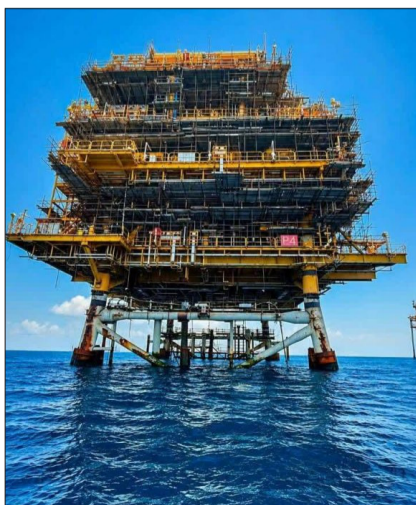
بسیج در میدان

«سردار محمد زهرایی» مسئول سازمان بسیج سازندگی کشور گفت: «از سال گذشته ۱۵۵۰ پروژه طرح ایخیر تا جالیز را به سرانجام رسانده ایم. ۹۵۰ کیلومتر جاده های آسفالت بین مزارع و گلزار شهدا در سراسر کشور، آبرسانی آب شرب سالم به ۸۰۰ روستا، ۶۲۰۰۰ شغل پایدار در کشور با تسهیلات ۷ همت تا کنون انجام شده است.» وی درباره امدادهای سازندگی بسیج گفت: «در جنگ رمضان ۱۹۵۰۰ گروه جهادی جهت بازسازی و آواربرداری ۳۳ هزار منزل مسکونی حضور پیدا کردند و نزدیک ۲۰ هزار واحد مسکونی به کمک شهرداری ها و اصفهان و قم و تهران بزرگ تحویل مردم عزیز شد.»



ابرسازه ۶۲۰۰ تنی

با تلاش متخصصان قرارگاه سازندگی خاتم الانبیا (ص) در شرکت صدرا، سکوی تولیدی ۶۴ میدان نفتی رشادت در اول تیرماه به موفقیت در آب های خلیج فارس نصب شد. این ابرسازه دریایی ۶۲۰۰ تنی که کارفرمایی آن بر عهده شرکت نفت فلات قاره و به همت متخصصان قرارگاه سازندگی خاتم الانبیا (ص) در شرکت صنعتی دریایی ایران است، در اوضاع حساس کنونی منطقه و با تکیه بر توان داخلی طراحی و اجرا شد. با بهره برداری از این سکوی مجلل، ظرفیت استخراج نفت از میدان رشادت، از ۱۴ هزار بشکه به ۳۵ هزار بشکه در روز افزایش می یابد که گامی راهبردی در ارتقای توان اقتصادی کشور است.



طلایه داران

«سرهنگ حسین نژاد» فرمانده سپاه آمل، با اشاره به فعالیت ۱۳۰ گروه جهادی مستمر در حوزه محرومیت زدایی، از تدوین نقشه راه جامع برای توانمندسازی مناطق کم بر خوردار خبر داد. وی جهادگران را بازوان نظام دانست که خدمتشان پاسخی به دشمنان است. در این مراسم، «علی تقی پور» نایب رئیس مجمع خیرین بسیج سازندگی آمل، از مشارکت ۳۰۰ میلیارد ریالی خیرین خبر داد. به گفته وی، این بودجه صرف ساخت مسکن محرومان، پروژه های عمرانی، توزیع ۳۰ هزار بسته معیشتی، کمک هزینه درمان، آزادی زندانیان و اهدای نوشت افزار به دانش آموزان نیازمند شده است. در پایان بر ضرورت هم افزایی برای رفع محرومیت تأکید شد.



فرصت بازگشت!

گفتاری از حجت‌الاسلام و المسلمین مسعود عالی



خاصی با سیدالشهداء (ع) یک محبت و عشق افزونی حس می‌کند، حس می‌کند باورهایش قوی‌تر شده، دلش نرم شده، از آن قساوت‌ها بیرون آمده است.

کسانی که می‌خواهند قرب به خدا پیدا کنند، دو جور می‌توانند قرب پیدا کنند؛ هم از راه عبادات، هم از راه بلاها. منتهی بلاها دوتا ویژگی دارند؛ شاید بشود گفت دوتا امتیاز دارند با اینکه بلا به ظاهر خوشایند انسان نیست، اما دو امتیاز نسبت به عبادات دارند. یکی اینکه عبادات ممکن است برای افرادی مثل بنده که ضعیف هستیم غرور بیاورد...

گاهی این شکلی می‌شود که اگر هم خدا یک جا حاجت‌شان را ندهد با خدا قهر می‌کنند! بلاها از طرف خداست، از بالاست. از این جهت آدم را خیلی بالاتر می‌برد البته به شرطی که انسان بتواند از بلاها درست استفاده کند. البته بلاهای معصومین با بلاهای ما خیلی فرق دارد؛ ما اگر درست استفاده کنیم خودمان بالا می‌رویم، اما در بالای معصوم علاوه بر اینکه او در این بالا بالا می‌رود، دست دیگران را هم می‌گیرد و بالا می‌برد. فرق بین بالای اولیای خدا و بالای دیگران این است.

استاد بزرگواری می‌فرمود من به دیدن هلال ماه محرم بیشتر راغب هستم تا هلال ماه رمضان! معمولاً ماه رمضان مستحب است که استهلال کنیم، یعنی اول ماه بگردد و ماه را پیدا کند؛ خوب ماه بندگی است و عبادت، ماه مهمانی خاص خداست. این استاد بزرگواری می‌گفت من به دیدن هلال محرم مشتاق‌تر هستم تا هلال ماه رمضان؛ چون آدم در محرم در این ایامی که شاید ده روز اول که گل محرم است، یک عشق و محبتی را تجربه می‌کند که همه تجربه کرده‌اند، که بعد از ده روز یک سبکی خاصی، یک ارتباط

دین

شماره ۱۲۴۳ | دوشنبه ۸ تیر ۱۴۰۵

صداقت

آیه

چراغ راه مؤمنان

سیدعلی میرهادی

کارشناس مذهبی

اصول در مفاهیم دینی و قرآنی به معنای پایه‌ها و ارزش‌های ثابت و تغییرناپذیری است که رفتار، اندیشه و تصمیم‌های انسان باید بر اساس آنها شکل بگیرد. قرآن کریم میان «اصول» و «فروع» تفاوت قائل است. اصول، معیارهایی هستند که در همه زمان‌ها و مکان‌ها اعتبار دارند، مانند توحید، عدالت، صداقت، امانت‌داری، تقوا، وفای به عهد، احترام به کرامت انسان و اطاعت از فرمان الهی؛ اما شیوه اجرای این اصول ممکن است با توجه به شرایط تغییر کند. به همین دلیل، انسان مؤمن نباید صرفاً بر اساس احساسات، منافع زودگذر یا فشارهای اجتماعی تصمیم بگیرد، بلکه باید همواره اعمال خود را با این معیارهای الهی بسنجد. اصولی عمل کردن زمانی اهمیت پیدا می‌کند که انسان در موقعیت‌های دشوار، اختلاف منافع یا شرایط بحرانی قرار می‌گیرد. بسیاری از افراد تا زمانی که منافع‌شان به خطر نیفتاده است، خود را پاینده به ارزش‌ها نشان می‌دهند؛ اما ارزش واقعی انسان زمانی آشکار می‌شود که میان منفعت شخصی و یک «اصل الهی» مجبور به انتخاب باشد. قرآن بارها مؤمنان را به پایداری بر حق دعوت می‌کند و می‌فرماید: «فَأَسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ؛ همان‌گونه که مأمور شده‌ای، استقامت کن. این استقامت یعنی تغییر ندادن اصول به خاطر شرایط و حفظ ارزش‌ها حتی زمانی که هزینه دارد. شناخت اصول نیز از راه گمان، سلیقه یا فرهنگ‌های متغیر به دست نمی‌آید، بلکه نخستین و مهم‌ترین منبع آن قرآن کریم است؛ کتابی که خداوند آن را هدایت برای همه انسان‌ها معرفی کرده است. پس از قرآن، سنت و سیره پیامبر اکرم (ص) و اهل‌بیت (ع) راهنمای فهم و اجرای صحیح این اصول هستند؛ زیرا آنان مفسران حقیقی قرآن و الگوی عملی زندگی دینی‌اند. همچنین عقل سالم، که یکی از حجت‌های الهی است، در کنار قرآن و روایات به انسان کمک می‌کند تا در مسائل جدید، اصول ثابت را از روش‌های متغیر تشخیص دهد.

اما چرا باید اصولی رفتار کنیم؟ زیرا زندگی بدون اصول، گرفتار آشفتگی، تناقض و تصمیم‌های احساسی می‌شود. انسانی که اصول ندارد، هر روز با تغییر شرایط، باورها و رفتار خود را تغییر می‌دهد و در برابر فشار دیگران به راحتی تسلیم می‌شود. در مقابل، انسان اصول‌مدار شخصیتی استوار، قابل اعتماد و آرام دارد و دیگران نیز به او اعتماد می‌کنند. از نگاه قرآن، پایبندی به اصول الهی علاوه بر سامان بخشیدن به زندگی فردی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی، زمینه‌ساز رضایت خداوند، رشد معنوی و سعادت دنیا و آخرت است. به همین دلیل، اصول نه محدودکننده آزادی انسان، بلکه چراغ راهی هستند که او را از سردرگمی و انحراف حفظ کرده و مسیر رسیدن به کمال و خوشبختی واقعی را روشن می‌کنند. اگر بتوانیم اصول مبتنی بر دین و فرهنگ دینی را برای خودمان مشخص کنیم، در هر رفتاری با آن جلو می‌رویم و در هیچ کاری مردد و متحیر نمی‌شویم و از چهارچوب دین و اخلاق خارج نمی‌شویم.

مکتب

زندگی نورانی با بیان نورانی

که باید به آن مراجعه کرده و مشکلات مان را حل کنیم، اما تفاوت‌هایی در این میان وجود دارد. قرآن تنها مجموعه‌ای از توصیه‌های اخلاقی یا اجتماعی نیست که حاصل تجربه یک اندیشمند باشد، بلکه سخن خدای متعال، آفریدگار انسان و جهان است؛ خدایی که از همه نیازها، ضعف‌ها، استعدادها و آینده انسان آگاهی کامل دارد. کسی که انسان را آفریده، بهتر از هر کس می‌داند چه چیزی او را به سعادت می‌رساند و چه عاملی سبب سقوط و تباهی او می‌شود.

خداوند درباره کتاب خود می‌فرماید: «قَدْ جَاءَكُمْ مِنَ اللَّهِ نُورٌ وَكِتَابٌ مُبِينٌ»؛ از سوی خدا برای شما نور و کتابی آشکار آمده است. (مانده/۱۵). خداوند در این آیه، قرآن را تنها یک کتاب نمی‌نامد، بلکه آن را «نور» معرفی می‌کند. نور ویژگی مهمی دارد؛ تاریکی را از بین می‌برد، مسیر را آشکار می‌کند و انسان را از سرگردانی نجات می‌دهد. همان‌گونه که در تاریکی شب، بدون نور راه را گم می‌کنیم، در تاریکی جهل، هوس، تردید و فتنه نیز بدون نور قرآن راه حقیقت را نخواهیم یافت. در آیه‌ای دیگر نیز خداوند می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمْ بُرْهَانٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكُمْ نُورًا وَقَالِيبَاتٍ أَنْزَلْنَا إِلَيْكُمْ نُورًا»؛ ای مردم! از سوی پروردگارتان دلیل روشن برای شما آمده و ما نوری آشکار بر شما نازل کرده‌ایم. (نساء/۱۷۴) این نور، چراغی است که هم عقل انسان را روشن می‌کند و هم دل او را آرامش می‌بخشد. تفاوت دیگر سخن خدا و اهل‌بیت (ع) با سخنان دیگران، در اصالت و اعتبار آن است.

مسلمانان در طول قرن‌ها با تلاش دانشمندان بزرگ علوم قرآن و حدیث سخن صحیح از ناصحیح را شناخته‌اند و مردم می‌توانند با اطمینان از این گنجینه بهره‌مند شوند. این دقت علمی در کمتر مکتبی دیده می‌شود؛ اما مهم‌تر از همه، نورانیتی است که در کلام خدا و اولیای الهی وجود دارد. این نور تنها به معنای فصاحت و زیبایی الفاظ نیست، بلکه حقیقتی است که جان انسان را دگرگون می‌کند. چه بسیار افرادی که با شنیدن تنها یک آیه یا یک روایت، مسیر زندگی‌شان تغییر کرده است. سخن خدا، چون از سرچشمه علم مطلق صادر شده، قابلیت آن را دارد که در هر زمان و مکانی پاسخگوی نیازهای بشر باشد.

امیرالمؤمنین (ع) در توصیف قرآن می‌فرماید: «وَأَعْلَمُوا أَنَّ هَذَا الْقُرْآنَ هُوَ النَّاصِیحُ الَّذِي لَا يَغْشَى، وَالْهَادِي الَّذِي لَا

سیدحسین خاتمی خوانساری



دبیر گروه معارف

در زندگی هر انسانی لحظه‌هایی فرا می‌رسد که میان چند راه سرگردان می‌شود و نمی‌داند کدام مسیر او را به مقصد خواهد رساند. در چنین وضعیتی، نخستین کاری که انسان عاقل انجام می‌دهد مراجعه به افراد آگاه و متخصص است. البته ما همیشه به‌صورت مستقیم از کارشناسان سؤال نمی‌کنیم. گاهی سخنان آنان را در کتاب‌ها، روزنامه‌ها، فضای مجازی یا برنامه‌های رسانه‌ای می‌خوانیم و می‌شنویم و همان مطالب را مبنای تصمیم‌های خود قرار می‌دهیم. بسیاری از توصیه‌هایی که هر روز به آن عمل می‌کنیم، حاصل تجربه و دانش افرادی است که شاید هرگز آنان را از نزدیک ندیده باشیم. البته در این میان، انسان عاقل می‌کوشد تا حد امکان از اعتبار گوینده و صحت نقل سخن او نیز اطمینان پیدا کند؛ زیرا می‌داند اگر منبع سخن معتبر نباشد، ممکن است نتیجه عمل نیز زیان‌بار باشد. سخنان خداوند در قرآن و بیانات اهل‌بیت (ع) هم جزء همین سخنانی است

احکام

استفاده از ژلاتین

استفاده از پودر ژلاتین که عموماً از خارج کشور وارد می‌شود چه حکمی دارد؟

حلیت و حرمت ژلاتین دایرمدار موادی است که از آنها تهیه می‌شود؛ ژلاتین گیاهی حلال است و ژلاتین تهیه شده از استخوان حیوان‌های حلال گوشت که ذبح شرعی نشده اند حلال است و اما ژلاتین تهیه شده از پوست حیوان حلال گوشت که ذبح شرعی نشده، نجس و حرام است و ژلاتین تهیه شده از اجزای حیوانات حرام گوشت حرامند؛ و در هر صورت اگر ژلاتین دارای قسم حلال و حرام باشد و شما ندانید آنچه می‌خواهید بخورید از کدام قسم می‌باشد، محکوم به حلیت است.



سلوک

مهم‌ترین مأموریت

علامه سید محمدحسین طباطبایی (ره): «فاذکرونی اذکرکم» (بقره/۱۵۲)؛ خدا را فراموش مکن! به یاد خدا باش تا خدا به یادت باشد. اگر خدا به یاد انسان بود، از جهل‌رهایی می‌یابد و اگر در کاری مانده است خداوند نمی‌گذارد عاجز شود و اگر در مشکل اخلاقی گیر کرد، خدایی که دارای اسماء حسنی است و متصف به صفات عالی، البته به یاد انسان خواهد بود. برای آرامش قلب، دست را روی سینه بگذار و این آیه را بخوان: «الذین آمنوا و تطمئن قلوبهم بذكر الله؛ آلا بذكر الله تطمئن القلوب» (رعد/۲۸) وقتی قرآن می‌خوانید، توجه داشته باشید که «کلام الله» است.



تاریخ نگار

غزوه خیبر

«غزوه خیبر» از مهم‌ترین نبردهای صدر اسلام است که در ماه محرم سال هفتم هجری رخ داد. این نبرد با فرماندهی پیامبر اکرم (ص) علیه یهودیان ساکن دژهای مستحکم خیبر انجام شد. پس از چند مرحله نبرد، پیامبر (ص) پرچم اسلام را به حضرت علی (ع) سپرد و ایشان با شجاعت کم‌نظیر، دژهای خیبر را فتح کرد. در این نبرد، مرحب، پهلوان نامدار یهود، به دست امام علی (ع) کشته شد و قلعه‌های خیبر یکی پس از دیگری سقوط کردند. پیروزی مسلمانان در خیبر موجب تقویت جایگاه حکومت اسلامی، افزایش امنیت مدینه و گسترش نفوذ اسلام در منطقه شد.



دیگران

سیاست و جام جهانی!

صبح صادق این یادداشت را جهت

اطلاع مخاطبان منتشر می‌کند!*

نگاه تحلیلی، «جام جهانی ۲۰۲۶» نه فقط یک رقابت ورزشی، بلکه صحنه‌ای برای بازتاب نظم جهانی و شکاف‌های آن به شمار می‌رود؛ جایی که تیم‌ها با پرچم‌های ملی خود وارد می‌شوند و رقابت ورزشی به شکلی نمادین منازعات سیاسی و تاریخی را به نمایش می‌گذارد.

در وضعیت ایده‌آل، ورزش می‌تواند به تعلیق موقت منازعات کمک کند، اما تجربه تاریخی نشان می‌دهد این ظرفیت محدود و وابسته به شرایط سیاسی گسترده‌تر است. از «دیپلماسی پینگ‌پنگ» میان آمریکا و چین در دهه ۱۹۷۰ تا تحریم المپیک مسکو در ۱۹۸۰ و پاسخ متقابل شوروی در ۱۹۸۴، ورزش همواره در میانه تعامل و تقابل سیاسی قرار داشته است.

در این چارچوب، تحلیل داده‌های تاریخی نشان می‌دهد احتمال رویارویی مستقیم کشورهایی که در وضعیت منازعه فعال قرار دارند، در رقابت‌های جام جهانی بسیار اندک است و در طول بیش از دو دهه برگزاری این رقابت ورزشی، این نسبت هیچ‌گاه از حدود یک درصد فراتر نرفته است. حتی در دوره‌هایی که جهان درگیر

جنگ‌های جدی‌تری بوده، مانند جنگ فالكلند در ۱۹۸۲، این نسبت همچنان محدود باقی مانده است. نکته مهم این است که ساختار قرعه‌کشی و معیارهای صعود مبتنی بر شایستگی ورزشی موجب می‌شود که ترکیب تیم‌ها الزاماً بازتاب دقیق شکاف‌های ژئوپلیتیکی نباشد. با این حال، در موارد معدودی که رویارویی مستقیم رخ داده، پیامدهای آن فراتر از زمین بازی بوده است؛ مانند دیدار آلمان شرقی و غربی در ۱۹۷۴، مسابقه آرژانتین و انگلستان در ۱۹۸۶ با سایه جنگ فالكلند، و دیدار ایران و آمریکا در ۱۹۹۸ که حتی به اقدامات نمادین صلح‌آمیز میان بازیکنان انجامید. در مقابل، مسابقه ۲۰۲۲ میان ایران و آمریکا نیز به صحنه‌ای برای بازتاب تنش‌های سیاسی تبدیل شد.

با وجود این زمینه تاریخی، جام جهانی ۲۰۲۶ با حضور ۴۸ تیم برگزار می‌شود که تنها تعداد محدودی از ترکیب‌های احتمالی نمایانگر روابط خصمانه میان کشورها هستند و این نسبت در مقایسه با اوج تاریخی همچنان پایین است. حتی با افزایش تعداد تیم‌ها، ساختار رقابت‌های ورزشی بیش از آنکه بازتاب مستقیم بحران‌های سیاسی باشد، تابع سازوکارهای ورزشی و صلاحیت تیم‌هاست. با این حال، مواردی مانند ایران و آمریکا یا برخی کشورهای خاورمیانه نشان می‌دهد، سیاست همچنان می‌تواند وارد میدان شود، هر چند این مواجهه‌ها نادر و وابسته به قرعه‌کشی هستند. تجربه تاریخی نشان می‌دهد، ورزش به تنهایی قادر به ایجاد صلح پایدار نیست و حتی در نمونه‌هایی، مانند دیپلماسی پینگ‌پنگ، پیش شرط‌های سیاسی پنهان و مذاکرات رسمی نقش تعیین‌کننده داشته‌اند. بنابراین امید به اینکه یک مسابقه فوتبال بتواند به تنهایی به تحول دیپلماتیک منجر شود، بیش از حد خوش‌بینانه است.

* اندیشکده CSIS

درس آموخته‌های حکمرانی فرهنگی و اجتماعی از همزمانی مسابقات جام جهانی با عزاداری‌های دهه اول محرم

جام جهانی، محرم و اعتماد اجتماعی

متعدد، از جمله همزمانی جام جهانی و محرم، نشان می‌دهد جامعه ایرانی در بسیاری از حوزه‌ها از ظرفیت بالایی برای خودتنظیمی برخوردار است.

این به معنای آن نیست که سیاست فرهنگی یا نقش حاکمیت در عرصه فرهنگ بی‌اهمیت است. هیچ کشوری بدون سیاست فرهنگی اداره نمی‌شود. سیاست‌گذاری هوشمند بر شناخت علمی، اعتماد اجتماعی، گفت‌وگو با جامعه و بهره‌گیری از داده‌های معتبر استوار است؛ در حالی که سیاست‌گذاری مبتنی بر پیش‌فرض‌های ذهنی، معمولاً به مداخلات پرهزینه و کم‌اثر منجر می‌شود.

نمونه‌های سال‌های گذشته نیز نشان داده‌اند که هرگاه برخی مسائل اجتماعی بدون توجه کافی به واقعیت‌های جامعه و صرفاً بر پایه برداشت‌های محدود مدیریت شده‌اند، نه تنها اهداف اولیه تحقق نیافته، بلکه زمینه برای شکل‌گیری مقاومت اجتماعی نیز فراهم شده است. بخشی از تحولات منتهی به ناآرامی‌های پاییز ۱۴۰۱ را نیز می‌توان از همین منظر مطالعه کرد. در آن مقطع، اصرار بر برخی شیوه‌های غیرمنعطف و فاصله گرفتن از رویکردهای علمی در سیاست‌گذاری فرهنگی، موجب شد مسئله‌ای اجتماعی، به تدریج به بستری برای سوءاستفاده دشمنان خارجی تبدیل شود. این تجربه، هشدار جدی برای همه نهادهای مسئول است که سیاست‌گذاری فرهنگی، بیش از هر حوزه دیگری، نیازمند شناخت دقیق افکار عمومی و ارزیابی مستمر پیامدهای تصمیمات است.

اکنون تجربه موفق همزمانی جام جهانی و محرم، فرصتی ارزشمند برای حکمرانی فرهنگی کشور فراهم کرده است. شاید مهم‌ترین درس این تجربه آن باشد که جامعه ایرانی را باید همان‌گونه که هست شناخت؛ جامعه امروز کشورمان، جامعه‌ای بالغ، آگاه، هویت‌مند و برخوردار از قدرت تشخیص است. جامعه‌ای که به اعتماد، اقتناع، گفت‌وگو و مشارکت نیازمند است. اگر این واقعیت در کانون سیاست‌گذاری فرهنگی قرار گیرد، می‌توان انتظار داشت که بسیاری از ظرفیت‌های اجتماعی کشور فعال شود و سرمایه اجتماعی، که مهم‌ترین پشتوانه امنیت ملی و پیشرفت کشور است، بیش از پیش تقویت شود. تجربه جام جهانی و محرم، در کنار تجربه همبستگی ملی در برابر تهدید خارجی، نشان داد که بزرگ‌ترین سرمایه کشورمان نه صرفاً منابع مادی، بلکه بلوغ فرهنگی و مسئولیت‌پذیری جامعه ایرانی است.

واکنش ملی مردم به تجاوز رژیم صهیونیستی قرار دهیم، تصویری دقیق‌تر از ظرفیت‌های اجتماعی کشور به دست می‌آید. جنگ اخیر نشان داد که ملت ایران، با وجود تنوع سلاقی سیاسی، فرهنگی و اجتماعی، در هنگام تهدید منافع ملی، از انسجام و همبستگی بالایی برخوردار است. بسیاری از تحلیل‌هایی که جامعه را گرفتار شکاف‌های غیرقابل ترمیم معرفی می‌کردند، در برابر واقعیت میدان رنگ باختند. اقبال گوناگون مردم، با گرایش‌های متفاوت، در حمایت از امنیت و تمامیت ارضی کشور موضعی واحد اتخاذ کردند. همین سرمایه اجتماعی، در محرم نیز خود را به شکلی دیگر نشان داد.

محرم امسال صرفاً یادآور واقعه عاشورا نبود. فضای عمومی جامعه، تحت تأثیر شهادت رهبر انقلاب و جمعی از فرماندهان، دانشمندان و شهروندان کشورمان در جریان تجاوز دشمن، رنگ و بوی دیگری نیز یافته بود. بسیاری از مردم، میان فرهنگ عاشورا و ایستادگی معاصر ملت ایران پیوندی عاطفی و هویتی برقرار کردند. از این منظر، عزاداری امسال تنها سوگواری برای شهدای کربلا نبود، بلکه تجلی احترام به همه کسانی بود که در راه عزت و امنیت کشور جان خود را فدا کردند. همین امر موجب شد فضای محرم، عمقی اجتماعی‌تر و ملی‌تر پیدا کند.

در چنین بستری، تماشای مسابقات فوتبال نیز نه تنها با این فضا تعارضی نداشت، بلکه موفقیت‌های تیم ملی، احساس غرور و همبستگی ملی را تقویت کرد. فوتبال در این مقطع، بیش از آنکه صرفاً یک سرگرمی باشد، به نمادی از توانایی و اقتدار ملی تبدیل شد. بنابراین جامعه بدون آنکه احساس کند میان دو انتخاب قرار گرفته است، هر دو تجربه را در کنار یکدیگر زیست کرد.

این واقعیت، پیام مهمی برای نظام حکمرانی فرهنگی دارد. سیاست‌گذاری موفق، الزاماً به معنای افزایش مداخله نیست، بلکه گاه به معنای اعتماد بیشتر به ظرفیت‌های جامعه است. هرچه فاصله سیاست‌گذار با ادراک عمومی کمتر باشد، احتمال موفقیت سیاست‌ها افزایش می‌یابد و هزینه‌های اجتماعی کاهش پیدا می‌کند.

حکمرانی مبتنی بر اعتماد

یکی از مهم‌ترین چالش‌های سیاست‌گذاری فرهنگی در دهه‌های گذشته این بوده است که جامعه بیشتر به عنوان موضوع کنترل دیده می‌شود تا شریک حکمرانی. در حالی که تجربه‌های

جامعه‌ای فراتر ایستاد

یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های جامعه ایرانی، برخورداری از هویت‌های متکثر، اما هم‌افزاست. شهروند ایرانی الزاماً میان هویت دینی، ملی، فرهنگی و اجتماعی خود تعارضی احساس نمی‌کند. همان جوانی که مسابقه تیم ملی را با هیجان تماشا می‌کند، می‌تواند ساعتی بعد در دسته‌های عزاداری حضور یابد و همان خانواده‌ای که از پیروزی تیم ملی احساس غرور می‌کند، شب هنگام در مجلس روضه سیدالشهدا(ع) شرکت کند. این همزیستی، برخلاف برخی تحلیل‌ها، نه نشانه دوگانگی هویتی، بلکه بیان‌کننده بلوغ فرهنگی جامعه است.

در این زمینه در حوزه سیاست‌گذاری عمومی، از مفهومی با عنوان «خودتنظیمی اجتماعی» یاد می‌شود. مقصود این مفهوم آن است که جامعه قادر است رفتار خود را متناسب با ارزش‌های مشترک، هنجارهای فرهنگی و شرایط محیطی تنظیم کند. هرچه این ظرفیت در یک جامعه بیشتر باشد، نقش سیاست‌گذار از کنترل مستقیم به هدایت، تسهیل‌گری و اعتماد تغییر می‌کند. این تجربه نشان داد جامعه ایرانی، بسیار پیچیده‌تر و هوشمندتر از تصویری است که گاه در برخی سطوح مدیریتی از آن ارائه می‌شود. نگرانی‌هایی که ماه‌ها پیش درباره امکان تضعیف فضای معنوی محرم در ایام مسابقات جام جهانی فوتبال مطرح می‌شد.

این موضوع از منظر سیاست‌گذاری نیز اهمیت فراوانی دارد. هنگامی که تحلیل سیاست‌گذار بر مبنای انگاره‌های نادرست از جامعه شکل گیرد، طبیعی است که تصمیمات اتخاذ شده نیز از واقعیت فاصله بگیرد. در چنین وضعیتی، منابع انسانی، مالی و رسانه‌ای کشور ممکن است صرف مدیریت مسئله‌ای شود که اساساً در میدان واقعیت وجود خارجی ندارد یا ابعاد آن بسیار کوچک‌تر از تصور اولیه است. این همان نقطه‌ای است که ضرورت حرکت از سیاست‌گذاری مبتنی بر حدس و نگرانی به سمت سیاست‌گذاری مبتنی بر داده، مطالعات اجتماعی و افکارسنجی‌های علمی را آشکار می‌کند.

درس‌های یک تجربه ملی

همزمانی جام جهانی و محرم تنها یک اتفاق تقویمی نبود؛ بلکه به مطالعه‌ای میدانی درباره رفتار جمعی ایرانیان تبدیل شد. جامعه نشان داد که در بزنگاه‌های هویتی، توانایی اولویت‌بندی و تنظیم رفتار خود را دارد. این تجربه را اگر در کنار

نگاهی به تفاهم‌نامه آمریکا و ایران از منظر حقوق بین‌الملل

امتیازهای زیاد برابر یک جمله تکرار!

از آنکه یک توافق جامع و قطعی باشد، چارچوبی سیاسی برای خروج دو طرف از بحران کنونی به شمار می‌آید. هر چند متن آن بر احترام به حقوق بین‌الملل، همکاری چندجانبه و نقش سازمان ملل تأکید می‌کند، اما ابهام‌های فراوان، بی‌اعتمادی متقابل و وابستگی اجرای آن به تصمیم و همکاری بازیگران متعدد، تحقق اهداف پیش‌بینی شده را با تردیدهای جدی رویه‌رو کرده است. شاید مهم‌ترین پیام این سند آن باشد که حتی قدرت‌هایی که در سال‌های اخیر بارها از قواعد نظام بین‌الملل فاصله گرفته‌اند، در نهایت برای پایان دادن به یک بحران پرهزینه ناگزیرند بار دیگر به همان سازوکارهای حقوقی و نهادهای بین‌المللی بازگردند.

* اندیشکده چشم‌هاوس

با ابهام همراه است. تهران بار دیگر اعلام می‌کند که به دنبال دستیابی به سلاح هسته‌ای نخواهد بود؛ موضعی که سال‌هاست بر آن تأکید کرده است. در عین حال، برخلاف خواسته اولیه واشنگتن، نه تنها الزامی برای انتقال ذخایر اورانیوم غنی‌شده به خارج از کشور وجود ندارد.

با وجود این، بخش‌های مهمی از سند همچنان مبهم باقی مانده است. برای نمونه، درباره نحوه اجرای تعهدات امنیتی، محدوده دقیق خروج نیروهای آمریکایی یا منابع مالی پیش‌بینی شده برای بازسازی و توسعه اقتصادی ایران توضیح روشنی ارائه نشده است. در حوزه دریایی نیز سند تنها برای ۶۰ روز عبور آزاد کشتی‌های تجاری از تنگه هرمز را بدون دریافت هزینه تضمین می‌کند. به طور کلی، این یادداشت تفاهم بیش

محکمی برخوردار باشد. با این حال، این پرسش اساسی همچنان باقی است که آیا طرف‌هایی که خود در ماه‌های گذشته بارها اصول منشور ملل متحد را نقض کرده‌اند، اکنون واقعاً به اجرای این قواعد پایبند خواهند ماند یا خیر؟

این یادداشت تفاهم امتیازهای قابل توجهی برای ایران در نظر گرفته است. آمریکا متعهد شده است نیروهای خود را از نزدیکی ایران دور کند، از استقرار نیروهای جدید در منطقه خودداری ورزد، محاصره دریایی بنادر ایران را پایان دهد، محدودیت‌های صادرات نفت را فوراً لغو کند و در چارچوب توافق نهایی، تمامی تحریم‌ها را نیز به تدریج بردارد. افزون بر این، روند آزادسازی دارایی‌های مسدود شده ایران نیز آغاز خواهد شد. در مقابل، تعهدات ایران در حوزه هسته‌ای همچنان

صبح صادق این یادداشت را جهت

اطلاع مخاطبان منتشر می‌کند!*

اولیه یا «یادداشت تفاهم» میان ایران و ایالات متحده، در ظاهر نشانه‌ای از بازگشت دو طرف به اصول حقوق بین‌الملل و احیای نقش نهادهای چندجانبه است، اما با نگاهی دقیق‌تر روشن می‌شود که میان مفاد این سند و واقعیت‌های سیاسی فاصله قابل توجهی وجود دارد. این توافق با تأکید بر توقف دائمی عملیات نظامی، خودداری از آغاز هرگونه جنگ در آینده و تلاش برای دستیابی به یک توافق نهایی ظرف ۶۰ روز، می‌کوشد اصل منع توسل به زور را که از مهم‌ترین اصول منشور سازمان ملل متحد است، دوباره احیا کند. همچنین پیش‌بینی شده است توافق نهایی با قطعنامه‌ای الزام‌آور در شورای امنیت سازمان ملل تأیید شود تا از پشتوانه حقوقی

صبح صادق تصویرسازی محصولات نمایش خانگی از خانواده ایرانی را بررسی می‌کند

روایت نفرت‌انگیز

سعید رضایی

خبرنگار

سریال «گل سنگ» به کارگردانی ابراهیم ایرج‌زاد، جدیدترین محصول شبکه نمایش خانگی است که رنگ و بویی ضدخانواده دارد. ایرج‌زاد که پیش از این در سینما با آثاری چون «تابستان داغ» و «عنکبوت» نشان داده بود، به روایت درام‌های ملتهد اجتماعی با پس‌زمینه‌های جنایی و روان‌شناختی علاقه‌مند است، این بار کانون یک خانواده طبقه متوسط تهرانی را به عنوان مسلخ روابط انسانی برگزیده است. با این حال، آنچه در این اثر بیش از پردازش ساختاری و بازی‌های کنترل شده بازیگرانش جلب توجه می‌کند، محوریت یافتن تز «فروپاشی بنیادین خانواده» و جایگزینی پیوندهای عاطفی با تنش، نفرت و جنگ اعضا علیه یکدیگر است.

داستان با جابه‌جایی خانواده ایرج (مهدی حسینی‌نیا) و محبوبه (مهتاب کرامتی) به یک خانه جدید آغاز می‌شود؛ هجرتی که در

لایه‌های اولیه، نماد تلاش برای ثبات، آرامش و رهایی از فشارهای اقتصادی است، اما خیلی زود این آرمان شهر پوشالی فرو می‌ریزد. خانه جدید نه تنها پناهگاه نیست، بلکه به کانون تجمیع رازهای مگو، سوءظن‌های مفرط و بستری برای عیان شدن کینه‌های قدیمی تبدیل می‌شود. محور اصلی و محرک پیرنگ در «گل سنگ»، تزریق تدریجی سم بی‌اعتمادی میان همسران است. شک هیستریک محبوبه به ایرج و در ادامه، غلیان رگ غیرت و تردید ایرج نسبت به گذشته محبوبه و خواستگار سابقش، ملغمه‌ای از نفرت متقابل را می‌سازد. نویسندگان فیلمنامه در این سریال با گرهِ افکنی‌های متوالی، خانواده را نه به منزله یک کل منسجم، بلکه به عنوان مجمع‌الجزایری از انسان‌های تنها و متخاصم تصویر می‌کنند که زیر یک سقف، مشغول جنگی پنهان و فرسایشی هستند. در این میان، ورود پدر خانواده به مسیر درآمدهای غیرشرعی و آلوده (فروش مشروبات الکلی)، به مثابه تیسر خلاصی بر پیکر اخلاقی این

کانون جلوه می‌کند؛ انتخابی داستانی که نشان می‌دهد وقتی لایه‌های اقتصادی و اخلاقی یک خانه از درون بپوسد، خشونت زناشویی و فروپاشی روانی در کمین خواهد بود.

با این حال، این حجم از تمرکز بر تاریکی و انتساب جرم، پنهان‌کاری و خشونت شدید به متن خانواده ایرانی، واجد یک آسیب جدی رسانه‌ای و فرهنگی است. «گل سنگ» در جهان روایی خود، عامل تعادلی برای این حجم از سیاهی خلق نمی‌کند. وقتی تمام بار تصویری اثر روی یک خانواده به‌شدت بیمار و در حال سقوط آزاد متمرکز می‌شود، مخاطب عملاً در محاصره بن‌بست‌های اخلاقی قرار می‌گیرد. اگرچه خط داستانی ازدواج دختر خانواده (پروانه) با بازگشت فرزند پسر به آغوش پدر در قسمت‌های پایانی تلاش می‌کنند تا فضا را تعدیل کنند، این تدابیر مقطعی زیر سایه سنگین قتل، خیانت و رازهای مگو، توان ایستادگی ندارند و بیشتر به مسکنی موقت شبیه‌اند تا یک کلان‌روایت مصلحانه.



از سوی دیگر، تسری این رویکرد به ملحقات رسانه‌ای اثر، نظیر حواشی پوشش بازیگران در فرش قرمز، نشان‌دهنده یک دوگانگی فرهنگی است که مرز میان نقد آسیب و عادی‌سازی هنجارشکنی را کم‌رنگ می‌کند.

در تحلیل نهایی، «گل سنگ» در لبه تیز نقد سبک زندگی بی‌اصول و القای حسی منفی از خانواده حرکت می‌کند. اگر هدف سازندگان، آسیب‌شناسی دقیق ریشه‌های دروغ، درآمد ناسالم و تزلزل تعهد زناشویی باشد، اثر می‌تواند هشدارری عبرت‌آموز قلمداد شود؛ اما در شکل فعلی، به دلیل لغزش در معماری کلان روایت و ولع ایجاد شوک‌های جنایی برای جذب مخاطب، بیشتر به بازتولیدکننده حس ناامنی، نفرت خانوادگی و تصویرسازی از فروپاشی کانون خانواده ایرانی تبدیل شده است. واکاوی این زخم‌ها زمانی ارزش فرهنگی می‌یابد که مخاطب در پایان، به ضرورت حفظ حریم خانه پی ببرد، نه آنکه با ذهنی مملو از سوءظن و ناامیدی، خانه را به مثابه یک مقتل دائمی ادراک کند.

برداشت

نگاهی به تصویر ترامپ در سینمای جهان

خون آشام آمریکایی

عمیق، حقوقی و آزاردهنده از شبکه قاجاق جنسی دختران زیر سن قانونی که جفری اپستین، سرماهدار مر موز آمریکایی آن را اداره می‌کند. این مستند بر اساس آزادی و انتشار بی‌سابقه پیش از ۳/۵ میلیون صفحه سند و هزاران ویدئو از سوی وزارت دادگستری آمریکا در ژانویه ۲۰۲۶ ساخته شده است.

طبق اسناد افشاشده، نام ترامپ بیش از ۴ هزار بار در فایل‌های وزارت دادگستری ظاهر شده است. مستند با اتکا به دفاتر پروازی هواپیمای معروف اپستین (لولیتا اکسپرس) اثبات می‌کند که ترامپ در دهه ۹۰ میلادی روابط نزدیکی با او داشته و در چندین پرواز حضور داشته است؛ هرچند جولی کی. براون (روزنامه‌نگار تحقیقی) توضیح می‌دهد که این رابطه در سال ۲۰۰۴ و پس از اخراج اپستین از باشگاه مارللاکو شکرآب شد.

مستند با احتیاط حقوقی، به فرم‌های افبی‌آی ۳۰۲ اشاره می‌کند؛ از جمله مصاحبه با شاکلی ناشناسی (جین دو) که ادعا کرده در نوجوانی مورد سوءاستفاده این شبکه قرار گرفته و نام ترامپ را به میان آورده است. اگرچه وزارت دادگستری این ادعاها را بی‌اساس خوانده، مستند تنش‌های سیاسی ناشی از آن را به‌خوبی تصویر می‌کشد.

بزرگ‌ترین پارادوکس ترامپ در این مستند عیان می‌شود؛ مردی که در کمپین‌های انتخاباتی خود وعده داد «مرداب و اشنگتن» و نخبگان فاسد را پاکسازی کند و تحت فشار افکار عمومی قانون شفافیت پرونده‌های اپستین را امضا کرد، در عمل در پشت‌صحنه طبق شهادت نمایندگان سرکش جمهوری خواه مانند مارچوری تیلور گرین و توماس مسی در مستند سرسختانه با

◆ **بدنامی، سرگرمی و مصونیت نخبگان** مستند «شیطانی: پرونده‌های اپستین» در کنار فیلم‌هایی چون «کارآموز»، تصویری فراتر از یک شخص از ترامپ ارائه می‌دهند؛ ترامپ در این آینه رسانه‌ای، نماد و آواتار یک سیستم فاسد ساختاری است. در فرهنگ رسانه‌ای غرب، رسوایی‌های اخلاقی و قرار گرفتن در فهرست‌های فحشا، دامن‌گیر چهره‌های قدرتمند نمی‌شود، چراکه سیستم تازمانی که به آنها نیاز دارد، پشت آنها می‌ایستد. این آثار به مخاطب شرقی نشان می‌دهند که چگونه در دموکراسی‌های غربی، مرز میان جرم و سرگرمی جابه‌جا شده و چطور نخبگان ثروت و قدرت، حتی از تاریخ‌ترین پرونده‌های جنایی قرن نیز برای بازی‌های جناحی و بقای سیاسی خود استفاده می‌کنند.

فرهنگ

شماره ۱۲۴۳ | دوشنبه ۸ تیر ۱۴۰۵

صداقت

یادداشت

آزمون رسانه در تشیع قرن

آرش فهیم

دبیر گروه فرهنگ



تاریخ تشیع و فرهنگ حماسی این مرز و بوم، همواره با «حضور» گره خورده است؛ حضوری جادویی و جریان‌ساز که هندسه قدرت را در جهان جابه‌جایی کند. در آستانه وداع با رهبر شهید انقلاب اسلامی، جامعه ایران در آستانه درک و خلق یکی از عظیم‌ترین فرازهای تاریخ معاصر خود قرار دارد؛ رویدادی که از هم اکنون مشخص است جلوه‌ای عینی از «تشیع قرن» و حماسه‌ای بی‌بدیل، مردهی و بین‌المللی خواهد بود. در چنین اتمسفر باشکوه و در عین حال حزن‌انگیزی، بار سنگینی بر دوش هنر، رسانه و به‌ویژه سینمای مستند ایران سنگینی می‌کند. این رویداد، صرفاً یک آیین سوگوازی نیست، بلکه تجلی گاه‌هویت، اقتدار و پیوند ناگسستنی یک امت با آرمان‌های رهبر خویش است که باید ابعاد فرامی آن به شایستگی بازتابی شود.

خبر ورود فیلم‌سازانی، چون رضا میرکریمی، محمدحسین مهدویان، حامد شکیبانیا و بهروز افخمی به میدان ثبت این واقعه، اگرچه نویدبخش و مایه دلگرمی است، هم‌زمان زنگ خطری را برای ضرورت اتخاذ یک «نگاه تبیینی و راهبردی» به صدا درمی‌آورد. هنرمندان در زمینه‌های گوناگون، نباید به یک ثبت گزارشی و صرفاً عاطفی بسنده کنند. ما با اقیانوسی از معنا روبه‌رو هستیم که هر قطره آن، ظرفیت تبدیل شدن به یک شاهکار هنری را دارد.

نکته کلیدی اینجاست: دوربین‌ها نباید تنها به تصویربرداری از ازدحام جمعیت در تهران، قم و مشهد قناعت کنند.

هنر مستندساز در این میان، کشف «آن» حماسه است؛ ثبت چشم‌های سرخ‌شده از اشک، دست‌های گره‌کرده، و واکاوی روان‌شناختی جامعه‌ای که در اوج داغداری، ایستادگی را فریاد می‌زند. مستندسازی این رویداد باید بتواند پیوند میان «جنگ رمضان» و شهادت‌رهبر معظم انقلاب را با غلیان درونی مردم باورمند، صورت‌بندی کند تا فردا روز، تحریف‌گران تاریخ نتوانند واقعیت این علقه عمیق مردمی را وارونه جلوه دهند.

نکته راهبردی دیگر، ابعاد فرامی و بین‌المللی این تشیع است. عزم بهروز افخمی برای ساخت مستند سینمایی «حال خونین دلان ۲؛ پهلوان جهان» با محوریت دلدادگان غیرایرانی، گامی کلیدی و هوشمندانه از سوی سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی است. ارجاع به مستند درخشان «حال خونین‌دلان» که در زمان ارتحال امام خمینی (ره) ساخته شد، یادآور این حقیقت است که انقلاب اسلامی مرز جغرافیایی ندارد.

حضور شخصیت‌ها، نخبگان و توده‌های مردم از کشورهای جهان در این مراسم، گویای این است که رهبر شهید، نماد مقاومت بین‌المللی بوده‌اند. افخمی و دیگر فیلم‌سازان باید فراتر از قاب‌های مرسوم، به «روایت‌های شخصی» و انگیزه‌های عمیق این زائران بین‌المللی توجه داشته باشند. این اثر نباید در حد یک گزارش دیپلماتیک باقی بماند، بلکه باید به یک «مانیفست تصویری» از نفوذ معنوی انقلاب اسلامی در قلوب آزادگان جهان تبدیل شود.

ثبت باشکوه‌ترین تشیع جنازه قرن، آزمون بزرگ سینمای ایران است. این‌بار خطای فنی، کم‌کاری تکنیکی یا فرم‌زدگی بی‌محتوا بخشودنی نیست. امروز، دوربین‌ها تسلیح‌های حراست از حقیقت این حماسه مردمی هستند. باید ایستاد، دید، خون گریست و با زبان تصویر، حماسه‌ای خلق کرد که تا قرن‌ها، سند حقانیت، مظلومیت و اقتدار این ملت و رهبر شهیدش باشد.

صداقت

هفته نامه

سیاسی، فرهنگی و اجتماعی

صاحب امتیاز

معاونت سیاسی نمایندگی ولی فقیه در سپاه

مدیرمسئول: عبدالله جوانی

سرمدیر: علی حیدری

شورای سیاست گذاری:

سیامک باقری، عبدالله زارعی، عزیز غضنفری، مهدی سعیدی، فتح الله پریشان، علی قاسمی، حسین عبداللہی، فریاد رضاصارمی، راد دبیر تحریریه: سید فخرالدین موسوی مدیر فنی: محمد صالح نادری نگارش و ویرایش: محبوبه حاجی آقایی صفحه‌آرا: علی اکبر هدایتی عکاس: حامد گودرزی ناظر چاپ: سعید قاسمی

چاپ: مرکز چاپ سپاه: ۰۲۱)۳۸۵۲۲۴۴۶

تلفن: ۰۲۱)۷۷۴۶۰۱۰۰ و ۰۲۱)۷۷۴۶۰۱۰۰

sobhesadegh.ir

@sobhesadegh_fa

نمبر: ۷۷۴۸۸۴۲۶

سامانه پیامک: ۰۳۳۰۰۹۹۰۰۳۳

شماره ۱۲۴۳ | دوشنبه ۸ تیر ۱۴۰۵

صبحانه

سرسخت و امیدوار

خدا هیچ‌گاه انسان را برای شکست و ناامیدی نیافریده است. در دل هر سختی، راهی برای رشد قرار داده و پس از هر شب تاریک، طلوعی روشن را وعده داده است. اگر امروز مسیر زندگی دشوار به نظر می‌رسد، به یاد داشته باشیم که بسیاری از موفقیت‌های بزرگ، از دل روزهای سخت متولد شده‌اند. تفاوت انسان‌های موفق با دیگران در این نیست که هیچ‌گاه زمین نخورده‌اند؛ بلکه هر بار با آمیختن بیشتر بر خاسته‌اند و به حرکت ادامه داده‌اند.

صادقانه

باز ایستید

امام کاظم (ع) می‌فرماید: «در هر شب و روز از جانب خداوند عزوجل آواز دهنده‌ای ندا می‌دهد: ای بندگ خدا! از نافرمانی خدا باز ایستید، باز ایستید؛ زیرا اگر به خاطر حیوانات چرند و کودکان شیرخواره و سال‌خوردگان خمیده پشت نبود، چنان عذابی بر سر شما ریخته می‌شد که خورد و خمیر می‌شدید.» (الکافی، ج ۲، ص ۲۷۶)

داستان



می‌شوم... از روز حادثه وسایلم رو جمع کردم و رفتم خونه مادرم. طاقش رو ندارم برگردم توی اون خونه. به شوهرم هم گفتم به جای دیگه پیدا کنه و دیگه هیچ‌وقت برنگردیم اونجا. تو خونه مادرم که هستم به خاطر زهرا و مریم و زینب چیزی بروز نمی‌دم، ولی انگار به چیزی گم کردم. انگار به چیزی دور و بزم کمه. منتظرم به صدای پسرونه صدام بزنه و بگه مامان! و من با عمق وجود بگویم: جانم...

یکسره سکوت بودم و غرق در حالات این مادر؛ مادری که بر خلاف ظاهر آرامش، در دریاهایی از غم‌ها غوطه‌ور بود. اما اینها تمام ماجرا نبود و انگار او چیزهای بیشتری برای گفتن داشت. مادر از یکی از همکاران پدر رضا به نام «عباس سالاری» گفت؛ کسی که به دلیل شرایط شغلی تا چند هفته بعد از شهادت رضا نتوانسته بود به پدر رضا سر بزند و حتی تماس بگیرد. وقتی هم برای چند ساعت به مرخصی آمده بود، در یک تماس کوتاه گفته بود سلام من رو به رضا برسون. بگو دست ما رو هم بگیره. ان‌شاءالله هفته آینده می‌آیم پیش. اما آن هفته بعد برای عباس سالاری هیچ‌وقت نیامد و فردای همان روز به همراه سه نفر دیگر به شهادت رسید. خادمان شهدا برای تشییع پیکر آنها چهار تابوت برده بودند و بی‌آنکه خودشان بدانند، عباس سالاری را در همان تابوتی خوابانده بودند که رویش با مازیک نوشته شده بود: «شهید رضا بارانی»؛ همان تابوتی که قبلاً رضا در آن آرمیده بود. مادر اینها را که گفت با لیخندی محو اضافه کرد: «انگار رضا به استقبال مهمانش رفته بود...» نمی‌دانم از کجا این سؤال ناشیانه به ذهنم رسید، ولی پرسیدم: «تا چند شب دیگه می‌آین اینجا؟» لیخند زد و به فکر فرو رفت. انگار سؤالی پرسیده بودم که هیچ‌وقت به آن فکر نکرده بود. گفت: «ان‌شاءالله ایران در جنگ پیروز می‌شه و همین جا جشن پیروزی کشورمون رو می‌گیریم.»

رادست اول دارد. همین که نشستیم، بلدون پرسش من گفت: «بازم مدیر قبلی موند، اما بهتر از اینم می‌شد. انگار آدم با عرضه‌تری جلو نیومده. البته اینجا فقط بلدون شباً سرو صدا کنن، یاده که؟»

با سر تأکید کردم. فقط بلدون بگن مملکت ایطو، مرگ به ای مرگ به او. اینم به مملکت. اگر بلدید پاشید نومزد بشید. اونا هم که کار بلدون، نمی‌دونم چرا پا پیش نذاشتن؟ هنوز چند نفر از جلسه رأی‌گیری مانده بود. اشاره کردم به موفرفری.

– اینم چطور؟ اینکه قبلاً خیلی ایده می‌داد که اگر بودم این کار رو می‌کردم، رأی نیاورد؟

بی‌بی دستش را بلند کرد و کف دستش را به سمتش گرفت و با یک «اوم»، انگار از آن دور خوابانده باشد کف کله موفرفری گفت: «نرفته سوت پیشینه بگیره، الانم دعوا سر همین بود. شوهرش می‌گفت مگه نماینده مجلسه سوت پیشینه می‌خواین؟»

هر دو سکوت کردیم و خیره شدیم به زمین. تسبیح چوبی‌اش را یک حرکت داد و چند صلوات فرستاد.

– می‌دونی دختروم، یا از ترسش نرفته بگیره یا گرفته و بد اومده. حشتم بوده، مگه یادت رفته اون شب چطو کل می‌کشید؟

بغض و اشک حمله کردند توی گلو و چشمم. – مگه می‌شه یادم بره، سوختیم بی‌بی، سوختیم. بی‌بی تنها فرد مجتمع بود که یک روز بعد از من تا چهلم آقا رو تراسش بپرق سیاه زد. سیدطاها دستم را کشید به سمت تاب و سر سره. از جایم بلند شدم و توی کشیده شدنم به سمت زمین بازی از بی‌بی پرسیدم: «حالا سر چی دست‌به‌پنجه بودن؟ الان که دوره دعوا گذشته، همه جا بحث مذاکره و تفاهم شده...»

بی‌بی دست کشید سمت همان چند نفر باقی مانده: «شوهر ای زنو می‌گه نباید سوت پیشینه بخواین، ما سال‌های اینجاییم، مالکیم.»

زور سیدطاها زیاد بود و وسط حرف‌های مان مرا برد و توی همان حالت کشیده شدن با گفتن یک «فعلاً» از بی‌بی جدا شدم. همان‌طور که دستم را می‌کشید و می‌برد با خودم گفتم: چی می‌گی؟ وسط مذاکره دست‌به‌پنجه می‌شن، حمله می‌کنن و خون مظلوم می‌ریزن و سال‌هاست که ساکن این منطقه هستن. به قول بی‌بی سوت پیشینه‌شونم همش داره بد میاد و بقیه حرفم را به زیان آوردم: علی‌الاصول با آن سوء پیشینه، توبه گرگ مرگ است.

این همه ماجرا نبود

احمد رضا روحانی

نویسنده

انگار هر کدام از «رضا»های کوچک قصه‌ای دارند و سر و سری با امام رضا (ع). این را وقتی فهمیدم که پای قبر سفید و کوچک «رضا» زانو زدم و به تصویر معصومان‌اش روی قبر چشم دوختم و بی‌آنکه تلاشی کنم، خودش من را پای قصه زندگی‌اش نشانده.

بعد از دختر دوم از امام رضا (ع) به پسر خواستیم. نذر هم کردیم اگه قسمت مون شد اسمش رو «رضا» بگذاریم. امام رضا (ع) هم بهمون نگاه کرد و سال بعدش موهای رضای چهل‌روزم رو تو حرم کوتاه کردیم. همون مشهد هم عقیقه انجام دادیم.

این را مادرش برابم گفت؛ یکی از آن مادرهای جوانی که آرامشش عجیب بود. یکی از همان‌هایی که از جگر گوشه زیر خاکش می‌گوید و حتی صدایش نمی‌لرزد و یکی از همان‌هایی که باید با زور و چند بار سؤال و جواب از زیر زبانش بکشیم که هم‌وزن موهای نوزاد، گوشواره‌اش را به حرم امام رضا (ع) هدیه کرده است. طبیعی بود که در برابر چنین آرامش و صلابتی، زبانم قفل شود و دو گوش اضافه هم برای شنیدن قرض کنیم. مادر هم که اشتیاقم برای شنیدن را دید، ادامه داد: «رضا تو ماه رمضان به دنیا اومد، تو ماه رمضان هم به شهادت رسید. به حساب قمری ۸ سال و ۸ روزش بود که شهید شد. آقا خودش داد، خودش هم گرفت. مگه پدر و مادر جز عاقبت‌به‌خیری برای فرزندشون چی از خدا می‌خوان؟»

پرسیدم: «همیشه این قدر آرام هستین؟» گفت: «اینجا که می‌آم آروم

سوت پیشینه

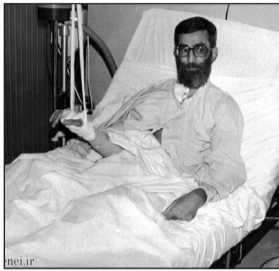
خاطره کشکولی

نویسنده

داد می‌کشید و با فریاد کلمات بی‌ادبانه نثارش می‌کرد. با اینکه جثه‌اش کوچک و نحیف بود، دست انداخته یقه طرف را گرفت و چند سانت از زمین بلندش کرد. مدیریت فعلی مجتمع بود که دست‌هایش آویزان دو طرف بدن و چشم توی چشم همون مرد ریز جثه بود. مثلاً جلسه مذاکره و رأی‌گیری برای تعیین مدیریت جدید مجتمع بود. چند نفر زن و مرد جمع شده بودند تا گلی به سر مجتمع بزنند. مدیریت فعلی در کار فرهنگی نمره‌اش صفر است. مراسمات مذهبی هیچ، مراسمات ملی هم بخاری‌اش بلند نمی‌شود. رسیدگی به امور ساختمان‌ها و ضعف‌هایش بماند. شنیده بودم مرد بی‌ادب ریز جثه قصد نامزدی مدیریت را دارد. یک سلطنت‌طلب تمام‌عیار است و نقل دهانش توی هر اتفاقی «کار خودشان است» و همیشه توی نگاهش ایران کشوری خراب شده است. هم دلم می‌خواست مدیریت جدید شود و هم از رأی آوردنش حس خوبی نداشتم. چه رأی‌گیری و تصمیم‌گیری خنده‌داری؛ بدون ارائه برنامه، فقط دو تا نامزد، آن هم با آن عقبه غیر قابل قبول. حضور اکثریت ساکنین را هم که نداشت. هر بار از مدیریت قبلی ریز حساب کارهای مجتمع را می‌خواستند، می‌گفت باید حسابدار و آدم وارد باشید و گرنه سر در نمی‌آورد. یا اگر خیلی آدم پیگیری بود، حواله می‌داد برو نگهبانی، حساب‌ها را ببین و بعد هم هیچ. خب آدم حسابی چرا کاری می‌کنی جماعت را به خودت مظنون کنی؟ صاف و شفاف بیا بگو. هنوز از توی تراس نگاهشان می‌کردم که صداها کم شد و یک عده رفتند. بعد از یک ساعت طبق معمول هر روز با سیدطاها برای بازی به محوطه رفتیم. خانم مسنی که طاها «بی‌بی» صدایش می‌کند، از اول جلسه بیرون نشسته بود و طبق عادت هر روزش زودتر از همه تکیه به ستون چراغ زیر بلوک‌شان داده بود. نزدیک که شدیم، به رسم هر روزش جواب سلام سیدطاها را با «سلام سید خدا» و بوسیدن پشت دستش داد. اشاره کرد کنارش نشستیم. بی‌بی به خاطر زاویه دید، مکان نشستش و قدرت کنج‌کاو‌اش مشرف به کل بلوک‌هاست و خبرها

غیر رسمی

از موقعیت‌ها استفاده کنیم



در سال ۶۰ که آن حادثه کذایی (ترور) برای بنده اتفاق افتاد در مسجد ابوذر، خب بیهوش شدم. بعد من را بلند کرده بودند و در حینی که من را از داخل مسجد می‌بردند به طرف ماشین، دو بار سه بار به هوش آمدم و دوباره از هوش رفتم.

در این دو سه باری که به هوش آمدم، یک بار احساس کردم که این لحظه آخر است، یعنی کاملاً احساس کردم که لحظه مرگ است. ناگهان همه زندگی گذشته در مقابل چشمم مجسم شد. با خودم فکر کردم که خب، حالا چه دارم برای عرضه کردن؟ هر چه فکر کردم، دیدم همه‌اش قابل مناقشه است. خب مبارزه کردیم، زندان رفتیم، تنگ خوردیم، درس دادیم، زحمت کشیدیم در آن لحظه دیدم همه اینها را می‌شود با من مناقشه کنند؛ و بگویند در فلان قضیه ممکن است یک نیت غیر الهی مخلوط این نیت شما شده؛ هیچی؛ از بین رفت!

ناگهان احساس کردم که بین زمین و آسمان معلقم، مثل آدمی که اصلاً به هیچ‌جا دستش بند نیست. گفتم پروردگارا! وضع من این جور است، می‌بینی دیگر، من ظاهراً هیچ چیز ندارم؛ آن‌طور که حساب می‌کنم می‌بینم هیچ چیز دستم نیست، یک جور می‌مگر خودت رحم کنی. سعی کنیم از موقعیت‌ها استفاده کنیم. روایت رهبر شهید انقلاب از حادثه ترور ایشان در ششم تیرماه سال ۱۳۶۰

حسن ختام

ای صاحب عصر...

باز هم زمین، داغدار مردی است که نامش با ایستادگی گره خورده بود. پرچمی بر دوش مردم بالا رفت و پیکری بر شانه‌های عاشقان، در میان اشک و صلوات، بدرقه می‌شود و باز هم دل‌ها، میان ازدحام تشییع، یک نام را بیشتر از همیشه زمزمه می‌کنند: «لیک یا مهدی!»

آقا جان...

مردمی که با قلب‌های شکسته، برای بدرقه رهبر شهیدشان گرد هم می‌آیند، در حقیقت یک آرزو را فریاد می‌زنند؛ آرزوی پایان یافتن روزگار مظلومیت. این روزها که میلیون‌ها دل، آماده بدرقه رهبر شهید می‌شود، بیش از همیشه جای خالی تو احساس می‌شود. کاش در میان این جمعیت، ناگهان دستی بر پرچمی می‌نشست و ندایی بلند می‌شد: «آلا یا اهل العالم...» کاش این تشییع، آخرین تشییع شهیدان این امت باشد و پس از آن، زمین به استقبال فرمانده آخر الزمان برود.

میلاد عرفان پور

بیدار شو!

میدان جنگ عرصه حرف حساب نیست بیدار شو برادر من، وقت خواب نیست! پیرانه‌سر جوانی و خامی بنا مکن هنگامه تفنن شیخ و شباب نیست امروز اگر خطا کنی از سر سپردگی ست خاصه که روی صورت شیطان نقاب نیست بشکن سیوی ساقی خوش خط و خال را «زهر» است آنچه داده به دست «شراب» نیست... دل خوش مکن به وعده آبادی‌اش رفیق از لطف او کجاست که اکنون خراب نیست؟ از صلح با جماعت ناکث سخن مگو این راه و رسم پیروی از بوت‌راب نیست محکم بگیر دامن نهج البلاغه را خیری میان صحبت اهل کتاب نیست

سورنا جوکار



سپاه هرگز از ولایت و آرمان‌های انقلاب

عقب‌نشینی نخواهد کرد

گروه گزارش

صبح صادق

به گزارش خبرنگار صبح صادق، نماینده ولی فقیه در سپاه پاسداران انقلاب اسلامی با تأکید بر اینکه جمهوری اسلامی ایران در جنگ اخیر، دشمن را در عرصه نظامی ناکام گذاشته است، گفت: امروز مهم‌ترین وظیفه رسانه‌ها، روایت صحیح این پیروزی و جلوگیری از تحریف واقعیت‌ها از سوی دشمن است؛ همان رسالتی که حضرت زینب (س) و امام سجاده (ع) پس از عاشورا بر عهده گرفتند.

حجت‌الاسلام والمسلمین عبدالله حاجی صادقی در نشست خبری با اصحاب رسانه، با تسلیت ایام شهادت حضرت اباعبدالله الحسین (ع) و یاران باوفایش، با اشاره به نقش بی‌بدیل جهاد تبیین در ماندگاری نهضت عاشورا اظهار داشت: عاشورا نهضتی برای تبیین حقیقت بود. اگرچه امام حسین (ع) در میدان نبرد به شهادت رسید، اما پیام این قیام با روایتگری حضرت زینب کبری (س)، امام سجاده (ع) و سپس امام محمدباقر (ع) جاودانه شد.

وی افزود: یزید پس از عاشورا تلاش کرد با روایت‌سازی، شکست خود را به عنوان پیروزی معرفی کند، اما جهاد تبیین خاندان اهل بیت (ع) این توطئه را ناکام گذاشت و حقیقت عاشورا برای همیشه در تاریخ ماندگار شد. نماینده ولی فقیه در سپاه تصریح کرد: امروز نیز دشمن پس از شکست در میدان، همان راهبرد را دنبال می‌کند و می‌کوشد با جنگ شناختی، عملیات روانی و روایت‌های جعلی، شکست خود را پنهان کرده و افکار عمومی را دچار تردید کند؛ از این رو مسئولیت رسانه‌ها در روایت صحیح این پیروزی، مسئولیتی تاریخی و بسیار سنگین است.

مذاکره، تنها گزینه جمهوری اسلامی نیست

حاجی صادقی با تأکید بر اینکه جمهوری اسلامی هیچ‌گاه از موضع ضعف وارد مذاکره نشده است، اظهار داشت: ملت ایران هرگز گرفتار استیصال نشده و این دشمن است که امروز در بن‌بست قرار گرفته است.

وی ادامه داد: برای جمهوری اسلامی، مذاکره هیچ‌گاه گزینه اصلی و گزینه تنها نبوده است؛ راهبرد اصلی ما مقاومت، ایستادگی، جهاد و حرکت حسینی است. البته اگر مذاکره‌ای نیز صورت گیرد، تنها از موضع اقتدار، عزت و پیروزی خواهد بود، نه از سر ضعف یا نیاز.

دو شاخص بنیادین سپاه؛ ولایت‌مداری و استکبارستیزی

نماینده ولی فقیه در سپاه با تشریح مبانی شکل‌گیری سپاه پاسداران انقلاب اسلامی گفت: از نخستین روز تأسیس این نهاد مقدس تاکنون، دو شاخص اصلی همواره هویت سپاه را شکل داده است.

وی نخستین شاخص را ولایت‌مداری دانست و افزود: سپاه برای سربازی ولایت و اجرای فرامین ولی فقیه تشکیل شده است. باور سپاه این است که خدامحوری بدون ولایت‌مداری معنا پیدا نمی‌کند و ولایت، تجلی حاکمیت الهی بر زمین است.

حاجی صادقی دومین شاخص را استکبارستیزی، طاغوت‌ستیزی و ظلم‌ستیزی

عنوان کرد و با استناد به آیه شریفه **وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ** (نحل: ۳۶) گفت: همه انبیا دو مأموریت اساسی داشتند؛ دعوت مردم به عبودیت خداوند و مبارزه با طاغوت. انقلاب اسلامی نیز بر همین دو اصل استوار است و سپاه خود را پاسدار این دو رکن می‌داند.

سپاه با دشمن دست نمی‌دهد

نماینده ولی فقیه در سپاه با اشاره به بیش از چهار دهه مجاهدت پاسداران انقلاب اسلامی گفت: دشمنان در طول سال‌های گذشته تلاش فراوانی برای تضعیف سپاه انجام داده‌اند، اما هیچ‌گاه موفق نشده‌اند و این بار نیز موفق نخواهند شد.

وی با بیان اینکه سپاه تاکنون حدود ۴۰ هزار شهید و همراه با سازمان بسیج بیش از ۱۵۰ هزار شهید تقدیم انقلاب اسلامی کرده است، افزود: سپاه ثابت کرده است که در راه خدا جان می‌دهد، اما هرگز با دشمن دست دوستی نمی‌دهد.

حاجی صادقی با اشاره به جمله تاریخی سیدالشهدا (ع) **مِثْلِي لَا يُبَايِعُ مِثْلَهُ تَأْكِيدًا** کرد: سپاه همان راه امام حسین (ع) را ادامه می‌دهد؛ سر می‌دهد، اما با دشمن بیعت نمی‌کند.

وی افزود: دشمنی سپاه با نظام سلطه و استکبار جهانی پایان‌پذیر نیست و مذاکره هرگز به معنای آشتی با دشمن تلقی نمی‌شود.

نماینده ولی فقیه در سپاه تصریح کرد: سپاه پاسداران هیچ‌گاه از آرمان‌های انقلاب اسلامی عقب‌نشینی نکرده و همچنان آمریکاراستکبار می‌داند و همچنان رژیم صهیونیستی را رژیم غاصب، اشغالگر و نامشروع می‌داند.

وی افزود: گذشت زمان نه موجب تغییر اندیشه سپاه شده و نه در اراده آن خللی ایجاد کرده است؛ سپاه نه در عرصه فکر دچار تردید می‌شود و نه در میدان عمل دچار ترس و انفعال. حاجی صادقی با اشاره به موضع حضرت

ابراهیم (ع) در برابر مشرکان گفت: **میان جبهه حق و جبهه استکبار، دشمنی‌ای ریشه‌دار وجود دارد و این مرزبندی هرگز از میان نخواهد رفت.**

سپاه در فهم و تبعیت از ولایت، هیچ‌گاه تغییر مسیر نداده است

نماینده ولی فقیه در سپاه با تأکید بر اینکه پیوند سپاه پاسداران با ولایت فقیه، پیوندی اعتقادی، عمیق و خلدشه‌ناپذیر است، اظهار داشت: فرماندهان و پاسداران امروز، همان مسیر فرماندهان شهید را ادامه می‌دهند و بر پیمانی که با خداوند و ولی خدا بسته‌اند استوار هستند. وی تصریح کرد: همان‌گونه که شهدای سپاه برای دفاع از اسلام، انقلاب و ولایت از جان خود گذشتند، فرماندهان و پاسداران امروز نیز آماده‌اند همان هزینه را بپردازند و در این مسیر هیچ تفاوتی میان نسل گذشته و نسل امروز وجود ندارد.

حاجی صادقی با بیان اینکه استقامت پاسداران تنها در میدان نبرد نیست، گفت: استقامت حقیقی، هم استقامت در اندیشه و هم استقامت در عمل است؛ پاسداران انقلاب اسلامی در هر دو عرصه بر عهد خود باقی مانده‌اند و هرگز از جهاد و مبارزه خسته نخواهند شد.

وی افزود: امروز نیز تمامی نیروهای سپاه اعم از نیروی زمینی، نیروی دریایی، نیروی هوافضا، نیروی قدس، سازمان بسیج و سایر بخش‌های این نهاد، با آمادگی کامل، روحیه‌ای بالا و اراده‌ای مستحکم در صحنه حضور دارند و هر زمان که رهبر معظم انقلاب اسلامی اراده کنند، همانند گذشته با تمام توان در برابر دشمن خواهند ایستاد.

ولایت‌مداری سپاه با تغییر دولت‌ها تغییر نمی‌کند

نماینده ولی فقیه در سپاه با اشاره به سابقه ۴۷ ساله سپاه پاسداران گفت: آمد و رفت دولت‌ها،



مجالس و مسئولان، هیچ تغییری در نسبت سپاه با ولایت ایجاد نکرده است. وی تصریح کرد: سپاه هم در فهم رهنمودهای ولی فقیه و هم در التزام عملی به آنها، همواره ثابت‌قدم بوده و این مسیر را بدون کمترین تغییر ادامه داده است.

حاجی صادقی با اشاره به جایگاه رهبر معظم انقلاب اسلامی اظهار داشت: سپاه، رهبری حضرت آیت‌الله العظمی امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) را نعمتی الهی و لطف خداوند نسبت به ملت ایران می‌داند. وی افزود: باور ما این است که انتخاب ایشان برای رهبری انقلاب اسلامی، عنایتی الهی بود که موجب استمرار راه امام خمینی (ره) و امام خامنه‌ای شهید، حفظ انقلاب اسلامی و ناکامی توطئه‌های دشمنان شد.

نماینده ولی فقیه در سپاه تأکید کرد: سربازی ولایت یعنی اینکه مواضع ما منطبق بر مواضع رهبر انقلاب باشد؛ نه جلوتر از ایشان حرکت کنیم و نه عقب‌تر بمانیم. منطبق بر مواضع رهبری باشیم.

«علی‌الاصول» به معنای مخالفت با اصل مذاکره نیست

حاجی صادقی در بخش دیگری از سخنان خود به پیام اخیر رهبر معظم انقلاب اسلامی درباره مذاکرات پرداخت و اظهار داشت: برخی برداشت‌های نادرست از تعبیر «علی‌الاصول» موجب ایجاد ابهام در فضای رسانه‌ای و مجازی شد.

وی گفت: مقصود رهبر معظم انقلاب از این تعبیر، اصول و مبانی قرآنی انقلاب اسلامی است؛ اصولی همچون بی‌اعتمادی به دشمن، سازش‌ناپذیری با جبهه استکبار و ورود به هرگونه مذاکره از موضع عزت، اقتدار و پیروزی.

نماینده ولی فقیه در سپاه افزود: برداشت ما از فرمایش رهبر معظم انقلاب این نیست که

فرماندهان و پاسداران امروز، همان مسیر فرماندهان شهید را ادامه می‌دهند و بر پیمانی که با خداوند و ولی خدا بسته‌اند استوار هستند.

وی تصریح کرد: همان‌گونه که شهدای سپاه برای دفاع از اسلام، انقلاب و ولایت از جان خود گذشتند، فرماندهان و پاسداران امروز نیز آماده‌اند همان هزینه را بپردازند و در این مسیر هیچ تفاوتی میان نسل گذشته و نسل امروز وجود ندارد

برداشت ما از فرمایش رهبر معظم انقلاب این نیست که ایشان با اصل مذاکره مخالفت دارند؛ بلکه معظم‌له بارها تأکید کرده‌اند که مذاکره با حفظ عزت، اقتدار، مصالح کشور و رعایت خطوط قرمز باشد، اصل آن مورد مخالفت نیست. آنچه رهبر انقلاب بیان فرمودند این است که برخی از مطلوب‌ها و انتظارات ایشان در متن تهیه‌شده به طور کامل تأمین نشده است؛ از همین رو اجازه ادامه مسیر را با دقت، احتیاط و مطالبه‌گری صادر کردند

ایشان با اصل مذاکره مخالفت دارند؛ بلکه معظم‌له بارها تأکید کرده‌اند که مذاکره اگر با حفظ عزت، اقتدار، مصالح کشور و رعایت خطوط قرمز باشد، اصل آن مورد مخالفت نیست.

وی تصریح کرد: آنچه رهبر انقلاب بیان فرمودند این است که برخی از مطلوب‌ها و انتظارات ایشان در متن تهیه‌شده به طور کامل تأمین نشده است؛ از همین رو اجازه ادامه مسیر را با دقت، احتیاط و مطالبه‌گری صادر کردند.

سه نکته اساسی

از پیام مهم رهبر انقلاب درباره مذاکرات حاجی صادقی با تشریح پیام رهبر معظم انقلاب درباره روند مذاکرات گفت: از این پیام سه نکته اساسی برداشت می‌شود.

وی ادامه داد: نخست اینکه رهبر انقلاب، مسئولان و اعضای شورای عالی امنیت ملی را افرادی دلسوز، دارای حسن نیت و پرتلاش معرفی کردند.

وی افزود: دوم اینکه معظم‌له تأکید کردند متن تهیه‌شده، حاصل تلاش فراوان مسئولان بوده است.

نماینده ولی فقیه در سپاه بیان کرد: سوم اینکه رهبر انقلاب تصریح کردند همه مطالبات و مطلوب‌های ایشان در این متن محقق نشده و همچنان مطالبات مهمی باقی مانده است.

وی خاطر نشان کرد: بنابراین نه می‌توان ادعا کرد که همه خواسته‌های رهبر انقلاب تأمین شده و نه می‌توان گفت نظری بر خلاف نظر ایشان بر معظم‌له تحمیل شده است؛ چنین برداشتی با جایگاه ولایت فقیه سازگار نیست. اساساً تحمیل رای بر رهبری نشده است و رهبری شجاعانه مواضع و نظرات خود را اعلام می‌کنند.

نسبت دادن خیانت به مسئولان، خلاف ولایت‌مداری است

حاجی صادقی با انتقاد از برخی مواضع مطرح‌شده در فضای مجازی گفت: وقتی رهبر معظم انقلاب از مسئولان با تعبیری همچون «دوستان دارای حسن نیت»، «دلسوزی» و «تلاش فراوان» یاد می‌کنند، نسبت دادن خیانت یا ضدولایت بودن به این افراد، با ولایت‌مداری سازگار نیست.

وی اظهار داشت: همان‌گونه که افراط در تأیید بی‌قید و شرط همه جزئیات مذاکرات نادرست است، تخریب مسئولان و متهم کردن آنان به خیانت نیز اقدامی ناصواب و برخلاف رهنمودهای رهبر انقلاب است.

نماینده ولی فقیه در سپاه تأکید کرد: ولایت‌مداری یعنی حرکت بر اساس متن صریح بیانات رهبر معظم انقلاب؛ نه افزودن بر آن و نه کاستن از آن.

مطالبه‌گری باید همراه با وحدت باشد

حاجی صادقی با تأکید بر اینکه مطالبه‌گری از مسئولان امری صحیح و ضروری است، گفت: رهبر معظم انقلاب خود مطالبه‌گر هستند و ما نیز به عنوان سربازان ولایت باید این مطالبه‌گری را ادامه دهیم.

وی افزود: دولت باید بداند نماینده ملتی است که از جنایت‌های دشمن و شهادت فرماندهان و فرزندان خود خشمگین است و انتظار دارد مسئولان با اقتدار، عزت و صلابت از حقوق ملت دفاع کنند.

نماینده ولی فقیه در سپاه تصریح کرد: با این حال نباید اجازه داد دشمن از اختلاف‌نظرهای



داخلی سوءاستفاده کند و نیروهای انقلاب را گرفتار فرسایش، تفرقه و درگیری‌های داخلی سازد.

وی خاطر نشان کرد: دشمن پس از ناکامی در میدان نظامی، اکنون جنگ شناختی و رسانه‌ای را برای ایجاد شکاف در جبهه انقلاب دنبال می‌کند و حفظ وحدت ملی، مهم‌ترین راه مقابله با این توطئه است.

◆ دشمن با روایت‌سازی به دنبال پنهان کردن شکست خود است

در ادامه این نشست، نماینده ولی فقیه در سپاه در پاسخ به پرسشی درباره روایت‌های متفاوت ایران و طرف مقابل از روند مذاکرات و نتایج آن، با اشاره به تجربه تاریخی عاشورا اظهار داشت: یکی از مهم‌ترین رهابردهای جبهه استکبار، ارائه روایت پیروزی از شکست‌های خود است؛ همان کاری که یزید پس از واقعه عاشورا انجام داد و امروز نیز آمریکا و متحدانش در قبال شکست‌های خود دنبال می‌کنند.

وی افزود: دشمن ناچار است برای اقتناع افکار عمومی خود، شکست‌های میدانی را به گونه‌ای دیگر روایت کند، اما واقعیت‌های میدان چیز دیگری را نشان می‌دهد و حتی بسیاری از تحلیلگران غربی نیز به ناکامی آمریکا در دستیابی به اهداف خود اذعان کرده‌اند.

حاجی صادقی با تأکید بر اینکه جمهوری اسلامی روایت طرف مقابل را نمی‌پذیرد، تصریح کرد: از نگاه ما، آنچه تاکنون در روند مذاکرات حاصل شده، همه مطالبات جمهوری اسلامی ایران را تأمین نمی‌کند و تنها بخشی از خواسته‌های کشور را در بر می‌گیرد.

وی ادامه داد: در عین حال، جمهوری اسلامی نسبت به همین حداقل‌ها نیز با احتیاط برخورد می‌کند، زیرا تجربه‌های گذشته نشان داده است که طرف مقابل قابل اعتماد نیست و سابقه‌ای طولانی در عهدشکنی دارد.

نماینده ولی فقیه در سپاه خاطر نشان کرد: جمهوری اسلامی ایران نه میدان مقاومت را ترک کرده و نه از آمادگی‌های دفاعی خود کاسته است؛ نیروهای مسلح همچنان در خلیج فارس، جزایر، سواحل و سایر مناطق مأموریتی با آمادگی کامل حضور دارند و این آمادگی بخشی از قدرت بازدارندگی کشور است.

◆ تحریف مواضع مسئولان و فرماندهان، خدمت به پروژه اختلاف‌افکنی دشمن است

حاجی صادقی در بخش دیگری از این نشست، در پاسخ به پرسشی درباره برخی مطالب منتشر شده پیرامون مواضع اعضای شورای عالی امنیت ملی و شخصیت‌های سیاسی کشور، اظهار داشت: در روزهای اخیر برخی نقل‌قول‌ها و برداشت‌ها در فضای مجازی منتشر شده که با واقعیت فاصله دارد و زمینه سوءبرداشت را فراهم کرده است.

وی با اشاره به برخی مطالب منتسب به اعضای شورای عالی امنیت ملی گفت: برخی افراد تلاش کردند چنین القا کنند که میان مسئولان عالی نظام درباره اصل مذاکرات یا نحوه تصمیم‌گیری اختلاف اساسی وجود دارد، در حالی که این

برداشت‌ها با واقعیت منطبق نیست.

نماینده ولی فقیه در سپاه افزود: نباید بدون اطلاع دقیق، افراد را متهم کرد یا به آنان نسبت‌هایی داد که فاقد پشتوانه است. قضاوت درباره مسئولانی که سال‌ها در مسیر انقلاب و نظام خدمت کرده‌اند، نیازمند تقوا، انصاف و دقت است.

وی تأکید کرد: کسانی که مسئولیت‌های حساس امنیتی و دفاعی کشور را بر عهده دارند، بارها آمادگی خود را برای ایثار و شهادت نشان داده‌اند و نباید با تحلیل‌های سطحی یا فضا سازی‌های رسانه‌ای، سابقه و مجاهدت آنان نادیده گرفته شود.

◆ دکتر جلیلی نیز با اصل مذاکره عزتمندانه مخالفتی ندارد

نماینده ولی فقیه در سپاه در پاسخ به پرسشی درباره برخی برداشت‌های مطرح‌شده پیرامون دیدگاه‌های سعید جلیلی، اظهار داشت: مطالب متعددی در فضای رسانه‌ای به ایشان نسبت داده شده که بخشی از آن با واقعیت منطبق نیست. در حق او بعضاً از طرف طرفدارانش جفا می‌شود و واقعیت‌های او متفاوت از آن چیزی است که بعضاً در رسانه‌ها مطرح شده است.

وی گفت: برداشت نادرست نخست این است که برخی تصور می‌کنند ایشان معتقد است رهبر معظم انقلاب با اصل مذاکره مخالف بوده‌اند؛ در حالی که این برداشت صحیح نیست و ایشان هم به مانند رهبری موافق اصل مذاکرات از موضع قدرت و پیروزی و عزتمندی هستند.

حاجی صادقی افزود: در همین زمینه آنچه در جلسات مطرح شده، این است که رهبر معظم انقلاب با اصل مذاکره‌ای که با حفظ عزت، اقتدار و رعایت اصول و خطوط قرمز انجام شود مخالفتی ندارند، هرچند نسبت به برخی مفاد و جزئیات، ملاحظات و نقدهایی داشته‌اند.

وی ادامه داد: برداشت نادرست دیگر این است که بعضی‌ها چنین برداشت کرده‌اند که برخی از اعضای شورای عالی امنیت ملی یا مسئولان تصمیم‌گیر در این حوزه، ضدولایت یا خائن معرفی شوند؛ در حالی که چنین تعبیری نه با فرمایشات رهبر انقلاب سازگار است و نه با واقعیت‌ها و آقای جلیلی هم موافق این موضوع نیستند.

نماینده ولی فقیه در سپاه همچنین درباره انتشار برخی اسناد محرمانه در فضای رسانه‌ای گفت: برخی‌ها شاید فکر کنند که آقای جلیلی موافق افشاری‌ها از این دست هستند، اما خود آقای جلیلی برای سالیان سال مخزن اسرار نظام بوده‌اند و می‌دانند که افشای اطلاعات تا چه میزان می‌تواند کار غلطی باشد و حفظ اسرار کشور و مصالح ملی وظیفه‌ای همگانی است و نباید با انتشار اسناد طبقه‌بندی‌شده، امنیت کشور خدشه‌دار شود؛ لذا از آقای جلیلی می‌خواهم یا

مردم صحبت کنند و از آنهایی هم که له یا علیه آقای جلیلی صحبت می‌کنند، می‌خواهم که از مدار تقوا خارج نشوند.

حاجی صادقی با اشاره به فضای سیاسی و رسانه‌ای کشور اظهار داشت: مطالبه‌گری، حق مردم و یکی از مطالبات رهبر معظم انقلاب است، اما نباید این مطالبه‌گری به بستری برای اختلاف، دوقطبی‌سازی و تضعیف جبهه انقلاب تبدیل شود.

وی افزود: دشمن پس از ناکامی در میدان نظامی، اکنون تلاش می‌کند نیروهای انقلاب را از درون دچار فرسایش، اختلاف و بی‌اعتمادی کند؛ همان راهبردی که در مقاطع مختلف تاریخ اسلام نیز دنبال شده است.

نماینده ولی فقیه در سپاه با اشاره به نقش خواص در حفظ وحدت جامعه گفت: امروز سخنرانان، مداحان، فعالان رسانه‌ای و همه جریان‌های انقلابی باید پیش از هر زمان دیگری مراقب باشند که ناخوسته در زمین دشمن بازی نکنند.

وی تصریح کرد: اختلاف‌نظر طبیعی است، اما نباید به تخریب نیروهای مؤمن و انقلابی منجر شود؛ زیرا وحدت، مهم‌ترین سرمایه جمهوری اسلامی ایران در برابر توطئه‌های دشمنان است.

◆ ولایت‌مداری یعنی تبعیت از آخرین موضع صریح رهبر انقلاب

نماینده ولی فقیه در سپاه تأکید کرد: ملاک عمل همه نیروهای انقلاب باید آخرین موضع رسمی و صریح رهبر معظم انقلاب باشد، نه برداشت‌های شخصی، تحلیل‌های رسانه‌ای یا نقل‌قول‌های غیرمستند.

وی گفت: امروز ولایت‌مداری یعنی پذیرش همین چارچوبی که رهبر معظم انقلاب ترسیم کرده‌اند؛ از یک سو حمایت از مسئولان در چارچوب قانون و از سوی دیگر استمرار مطالبه‌گری برای تحقق کامل حقوق ملت ایران. حاجی صادقی افزود: نباید فراموش کنیم که رهبر انقلاب نیز خود مطالبه‌گر هستند و مسیر مطالبه‌گری را برای مردم و نیروهای انقلاب باز گذاشته‌اند، اما این مطالبه‌گری باید همراه با عقلانیت، انسجام و حفظ وحدت ملی باشد.

◆ آرزوی جدا شدن سپاه از ولایت را به گور خواهید برد

حجت‌الاسلام والمسلمین حاجی صادقی در بخش پایانی سخنان خود، خطاب به دشمنان جمهوری اسلامی ایران اظهار کرد: اگر تصور می‌کنید روزی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی از ولایت فاصله خواهد گرفت یا از مسیر سربازی ولایت خارج خواهد شد، این آرزو را با خود به گور خواهید برد.

وی افزود: پیوند سپاه با ولایت، پیوندی اعتقادی، ایمانی و برخاسته از باورهای عمیق پاسداران

انقلاب اسلامی است و این پیوند با فشارهای سیاسی، عملیات روانی، جنگ رسانه‌ای و تحریم‌ها آسیب نخواهد دید.

نماینده ولی فقیه در سپاه با تأکید بر اینکه سپاه در همه شرایط خود را موظف به تبعیت از ولی فقیه می‌داند، گفت: این نهاد مقدس در دوران دفاع مقدس، مقابله با تروریسم، دفاع از امنیت کشور، مقابله با فتنه‌ها و امروز نیز در همه عرصه‌های مورد نیاز انقلاب اسلامی، سربازی ولایت را وظیفه خود دانسته و از این مسیر هرگز عقب‌نشینی نخواهد کرد.

◆ فرماندهان امروز سپاه ادامه‌دهنده راه فرماندهان شهید هستند

حاجی صادقی با انتقاد از برخی فضا سازی‌ها علیه فرماندهان فعلی سپاه اظهار داشت: بی‌انصافی است که میان فرماندهان شهید و فرماندهان امروز سپاه فاصله ایجاد شود.

وی افزود: به عنوان کسی که بیش از چهار دهه در کنار پاسداران انقلاب اسلامی حضور داشته‌ام، شهادت می‌دهم که فرماندهان امروز نیز همان روحیه، همان اخلاص، همان ولایت‌مداری و همان آمادگی برای ایثار و شهادت را دارند. نماینده ولی فقیه در سپاه تصریح کرد: همان‌گونه که فرماندهان شهید همه هستی خود را در راه دفاع از اسلام، انقلاب و ولایت تقدیم کردند، فرماندهان امروز نیز در صورت نیاز آماده‌اند از جان، جایگاه و همه داشته‌های خود در این مسیر بگذرند.

وی تأکید کرد: سپاه تحت هیچ شرایطی، نه در برابر فشار دشمن، نه در برابر تبلیغات رسانه‌ای و نه در برابر تغییر دولت‌ها و فضای سیاسی کشور، بیش از هر زمان دیگری نیازمند وحدت، همدلی و انسجام ملی هستیم.

وی افزود: دشمن تلاش می‌کند اختلاف‌نظرهای طبیعی در داخل کشور را به شکاف تبدیل کند؛ بنابراین رسانه‌ها، سخنرانان، مداحان و همه فعالان فرهنگی باید مراقب باشند که ناخوسته در زمین دشمن بازی نکنند.

حاجی صادقی تصریح کرد: هنر امروز، متهم کردن نیروهای انقلاب به خروج از مسیر ولایت نیست؛ بلکه هنر آن است که همه نیروهای مؤمن و انقلابی در چارچوب رهنمودهای رهبر معظم انقلاب حفظ شوند و اگر کسی نیز دچار خطا شده است، با منطق، دلسوزی و روشنگری اصلاح شود.

وی خاطر نشان کرد: همه باید تلاش کنند

شعارها، تحلیل‌ها و مواضع خود را بر محور وحدت ملی، استکبارستیزی و تبعیت از ولایت تنظیم کنند.

وی افزود: عاشورا به ما می‌آموزد که راه حق با امید، بصیرت، استقامت و یقین به نصرت الهی ادامه پیدا می‌کند و هرگز نباید در برابر جبهه باطل احساس ضعف یا ناامیدی کرد.

حاجی صادقی با بیان اینکه ملت ایران در حوادث اخیر جلوه‌ای از همین فرهنگ را به نمایش گذاشت، گفت: امروز «یا حسین (ع)» تنها یک شعار نیست، بلکه ترجمان روحیه مقاومت، ایثار، عزت و ایستادگی ملت ایران در برابر دشمنان است.

◆ مرگ بر آمریکا و مرگ بر اسرائیل، شعار مقابله با استکبار است

نماینده ولی فقیه در سپاه با تأکید بر استمرار مبارزه با نظام سلطه اظهار داشت: جمهوری اسلامی ایران همچنان بر اصول اساسی انقلاب اسلامی، یعنی استکبارستیزی، ظلم‌ستیزی و دفاع از مظلومان پایبند است.

وی گفت: شعارهای «مرگ بر آمریکا» و «مرگ بر اسرائیل» شعارهایی برخاسته از مقابله با ظلم، اشغالگری و استکبار است و تا زمانی که این سیاست‌ها ادامه داشته باشد، ملت ایران نیز بر مواضع خود استوار خواهد ماند.

◆ سپاه در کنار ملت و در مسیر ولایت باقی خواهد ماند

حاجی صادقی در پایان با قدردانی از حضور اصحاب رسانه، نقش آنان را در مقابله با جنگ روایت‌ها تعیین‌کننده دانست و اظهار کرد: امروز رسانه‌ها باید همان نقشی را ایفا کنند که حضرت زینب (س) و امام سجاد (ع) پس از عاشورا بر عهده داشتند؛ یعنی تبیین حقیقت، مقابله با تحریف و روایت صحیح پیروزی‌های جبهه حق. وی تأکید کرد: ملت ایران با آرامش، امید، اعتماد به وعده الهی و اتکا به توان نیروهای مسلح، مسیر خود را ادامه خواهد داد و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی نیز همچون گذشته، در کنار مردم و در تبعیت کامل از ولایت فقیه، پاسدار امنیت، استقلال، آرمان‌های انقلاب اسلامی و عزت ملی خواهد بود.

در پایان این نشست، مسئولان برگزاری با قدردانی از حضور خبرنگاران، بر نقش رسانه‌ها در تبیین واقعیت‌ها، تقویت وحدت ملی و مقابله با جنگ شناختی دشمن تأکید کردند و عکس یادگاری را با سخننگوی محترم سپاه و نماینده محترم ولی فقیه در سپاه گرفتند.

۱۰

پیوست

شماره ۱۲۴۳ | دوشنبه ۸ تیر ۱۴۰۵

صداقت

◆ پیوند سپاه با ولایت، پیوندی اعتقادی، ایمانی و برخاسته از باورهای عمیق پاسداران انقلاب اسلامی است و این پیوند با فشارهای سیاسی، عملیات روانی، جنگ رسانه‌ای و تحریم‌ها آسیب نخواهد دید. این نهاد مقدس در دوران دفاع مقدس، مقابله با تروریسم، دفاع از امنیت کشور، مقابله با فتنه‌ها و امروز نیز در همه عرصه‌های مورد نیاز انقلاب اسلامی، سربازی ولایت را وظیفه خود دانسته و از این مسیر هرگز عقب‌نشینی نخواهد کرد